





مطالب این کتاب؛ برگرفته‌ی  
بخشی از زحمات بسیار یکی  
از عرفای بزرگ شیعه است  
که برای شناخت بهتر ولایت  
و احکام بیان شده است.  
ان شاء الله قدردان حقایق  
ارزشمندی که در اختیارمان  
قرار گرفته، باشیم.

از نبی اکرم ﷺ روایت شده است که آن حضرت فرمود:  
مسلماً خداوند تبارک و تعالی برای برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام  
فضیلت‌های بی‌شماری را قرار داده است که حد آن را کسی جز  
خداوند نمی‌داند! پس هر کس فضیلتی از آن فضائل را ذکر کند  
و اعتقاد به آن داشته باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و  
آینده‌ی او را بیامرزد حتی اگر با گناه جن و انس وارد محشر شود  
و هر کس فضیلتی را از فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام بنویسد  
تا آن‌گاه که آن نوشته باقی باشد فرشتگان برایش طلب آمرزش  
می‌کنند و هر کس فضیلتی از آن فضائل را گوش دهد خداوند  
گناهانی را که به وسیله‌ی گوشش انجام داده بیامرزد و هر کس  
به فضیلتی از فضائل او نگاه کند خداوند گناهانی را که به وسیله  
چشمش انجام داده بیامرزد. سپس رسول الله ﷺ فرمود: نگاه  
کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت است و یادکردن علی علیه السلام  
هم عبادت است. ایمان بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود مگر به ولایت  
علی علیه السلام و تبری جستن از دشمنان علی بن ابی طالب علیه السلام.



## به جای مقدمه

کتاب باید خطابِ ائمه علیهم السلام باشد وگرنه آن کتاب نیست، گمراهی است. خطاب یعنی دنیایی را اصلاح کند، دنیا پراز فساد شده است! متقی می‌خواهد شما را بیدار کند. مردم درباره‌ی ولایت خوابند. در قیامت است که بیدار می‌شوید و می‌بینید عمرتان گذشته و علی علیه السلام را نشناخته‌اید؛ اما خدا، شناسایی امیرالمومنین علی علیه السلام را می‌خواهد! آن موقع چه کار می‌کنید؟! بیایید قدر این حرف‌ها را بدانید. این حرف‌ها از حنجره‌ی متقی جاری می‌شود، نه هر کسی!



## افشای احکام

خدا در تمام خلقت، ائمه طاهرين عليهم السلام را تاييد کرده است و آنها متقی را تاييد می کنند؛ اما شما برای متقی مشابه درست می کنید و پیروش می شوید. متقی شرایطی دارد که اگر کسی آنها را داشت متقی است و باید از او پیروی کرد.

**اول:** متقی را باید ائمه طاهرين عليهم السلام تاييد کنند.

**دوم:** القا و افشا دارد، حرف از خودش نمی زند و گفتارش گفتار آنهاست.

**سوم:** علاقه به دنیا ندارد.

**چهارم:** رودربايستی با هیچ کس ندارد و به غیر از کسانی که ائمه طاهرين عليهم السلام آنها را قبول دارند، هیچ شخصی را قبول ندارد.

**پنجم:** ولایت به او تزریق شده است.

**ششم:** هدایت کن مردم است.

**هفتم:** همیشه در حضور است و سقوط ندارد.

**هشتم:** وصل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

**نهم:** خدمت امام می رسد و با حضرت حرف می زند و مشکلاتش را از ایشان می پرسد.

## افشای احکام

- دهم:** امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ او را جایی هم با خودش می برد.
- یازدهم:** خلق متقی را تایید نمی کند و می گوید حرف هم نزن.
- دوازدهم:** نماینده ی امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ است و امام به شما امر می کند که پیش او بروید و امرش را اطاعت کنید.
- سیزدهم:** مردم تا آخر با متقی نیستند، اما اگر دست از او برندارند با او محشور می شوند.
- چهاردهم:** به نام چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعایش مستجاب است.
- پانزدهم:** دنبال خلق نمی رود و خلق را مؤثر نمی داند.
- شانزدهم:** ابداً از هیچ کس احترام نمی خواهد.
- هفدهم:** کار او افشای ولایت است و افتخارش این است که کسی را هدایت کند.
- هجدهم:** متقی خود نیست و "من" ندارد.
- نوزدهم:** چیزی از کسی نمی خواهد و اگر کسی به او عطایی کند فقط می گوید: خدایا آن هایی که به فکر من هستند به فکرشان باش.
- بیستم:** شب و روز به فکر دوستانِ امیرالمومنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است که آن ها را از تمام بلاها نجات دهد و سخاوت از او می جوشد.

## افشای احکام

متقی فقط هدایت شما را می‌خواهد پس باید از او متابعت کنید و دست از او برندارید. با افشای این شرایط حجت را به شما تمام کردم. آن‌هایی که اغلب مردم دنبالشان می‌روند، هیچ‌کدام از این شرایط را ندارند. این اشخاص خودشان را بزک کرده و مارک ولایت زده‌اند اما مثل هندوانه‌ی ابوجهل، تلخ هستند! هر کسی را که دیدم حرفش دین بود، مقصدش بی‌دینی؛ حرفش دین بود، مقصدش اسلام. دسته دسته در آخرالزمان دست از ولایت برمی‌دارند و طرف اسلام می‌روند! متقی می‌سوزد و چاره‌ای هم ندارد چون به او می‌گویند حرف نزن. هفتاد هزار نفر رفتند دنبال اسلام! اسلام آن‌ها اسلام بی‌ولایت بود، حالا خدا گفت مرتد و کافرند. خدا نکند ما هم اسلامان این‌طور باشد. آن اسلامی که علی علیه السلام را معرفی نکند و خودش را معرفی کند، اسلام خودی است، نه اسلام خدایی! خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ کرد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، ای رسول من! باید علی علیه السلام را معرفی کنی وگرنه رسالتت را نرسانده‌ای! عصاره‌ی بیست و سه سال زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله، معرفی امیرالمومنین علیه السلام بود. من آخر عمرم است و حرفم را می‌زنم. اسلام محمدی اسلام علوی است چون وقتی علی علیه السلام را معرفی کرد گفت: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» حالا این اسلام شد دین!

این اسلامی که اغلب ما داریم مثل مجسمه است، نه جان دارد و نه روح دارد و نه امر. فقط من دارد! کجا دنبال جسم بی‌روح می‌روی؟ روح علی ابن ابی طالب علیه السلام است، روح امام حسین علیه السلام است، روح حضرت زهرا علیه السلام است. آن‌ها روح خدا هستند. هیچ‌کس به غیر از متقی روح شما را ولایتی نمی‌کند. همه،

## افشای احکام

روح شما را اسلامی می‌کنند. دست از متقی برندارید، نجات شما به واسطه‌ی او به پایان می‌رسد. ما پایان نداریم، یا این طرفیم و یا آن طرف! یکی از بدبختی‌های بشر این است که به حرف متقی نیست و پیرو خلق است. این است که می‌گوید در آخرالزمان اگر یک نفر با دین از دنیا برود ملائکه‌ی آسمان تعجب می‌کنند. اصلاً به حرف خلق رفتن اشتباه است. چون که خلق از خودش حرف می‌زند اما متقی فقط خواست ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را می‌گوید. خواست آن‌ها امر خداست، خواست خلق امر شیطان است. خلق پیام رسان اسلام است و متقی پیام رسان ولایت است. به غیر از متقی از تمام خلق باید پرهیز کنید، تمام باطلند و اهل دنیا! امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الشَّرِيفَ شما را راهنمایی کرده است که پیش متقی بروید، پیش چه کسی می‌روید؟ زمان چیزهایی را بوجود می‌آورد که متقی تمام آن‌ها را برای شما خنثی می‌کند؛ اما باید با هیچ‌کس و هیچ‌کجای دیگر ارتباط نداشته باشید.

متقی پرچم رستگاری را به دستتان می‌دهد؛ اما در آخرالزمان جلوی او را می‌گیرند و می‌گویند حرف نزن، همان‌طور که کسی را در خانه‌ی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گذاشتند که با مردم حرف نزند! امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام حرف نزند؟ روح خدا حرف نزند؟ جسم حرف بزند؟ اغلب مردم قدرت خودشان را از کلام متقی بالاتر می‌دانند، این است که سقوط می‌کنند. از خدا بخواهید آن‌هایی را که وسوسه می‌کنند از ما دور کند. من هر روز و هر شب می‌گویم: خدایا آن‌هایی که به تو نزدیک هستند به من نزدیک کن، آن‌هایی که از تو دور هستند، از من دور کن، حتی اگر پسر من باشد. من تو را می‌خواهم و آن کسی که تو را می‌خواهد. اهل تسنن در ظاهر تو را می‌خواهند



## افشای احکام

اما چون امر تو را نمی‌خواهند، اهل جهنم هستند. خواستن خدا، اطاعت امر خداست. امر خدا علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است. این مردمی که با امیرالمومنین علیه‌السلام خوب نیستند، نه عقل دارند و نه ایمان و نه وجدان. به دینم قسم اگر خواستن امیرالمومنین علیه‌السلام بهشت نبود و به من می‌گفتند که افضل از تمام خلقت کیست؟ می‌گفتم علی علیه‌السلام است! یعنی امیرالمومنین علیه‌السلام شاخص تمام خلقت است. اگر شما عدالت و عاطفه داشته باشید اقرار می‌کنید که کسی بهتر از امیرالمومنین علیه‌السلام نیست که او را بخواهیم. شما باید با این عقیده باشید، از این عقیده جدا نشوید و با این عقیده از دنیا بروید! اگر این‌طور باشید برای علی علیه‌السلام مصداق درست نمی‌کنید، آف بر شما! پس تو در باطنت علی علیه‌السلام را نمی‌خواهی. من می‌گویم با بهشت مقایسه‌اش نمی‌کنم، تو می‌روی علی علیه‌السلام را با مردم مقایسه می‌کنی؟! این است که بی‌دین از دنیا می‌روی. محکم باشید و برای امیرالمومنین علیه‌السلام مشابه درست نکنید. چه کسی این‌کار را می‌کند؟ خلق! هر چه می‌خواهید بشوید اما پیرو خلقی که از خودش حرف می‌زند، نشوید.

ما باید در وجدانمان علی علیه‌السلام را بخواهیم. علی علیه‌السلام کفو احد است. کسی مانند علی علیه‌السلام نیست که اسمش را بیاوری و مرده زنده شود، اسمش را بیاوری و آهن به دست نرم شود. چه کسی به غیر از او خورشید را برگردانده است؟ چه کسی به غیر از امیرالمومنین علیه‌السلام هر نفسش «أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِ ثَقَلَيْنِ» است؟ چه کسی عمرو بن عبدود که دشمن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و می‌خواست اسلام را از بین ببرد با یک ضربه کشت؟ علی علیه‌السلام بود. به تمام آیات قرآن! شناسایی علی علیه‌السلام، شناسایی تمام خلقت است. اگر علی علیه‌السلام را

## افشای احکام

نشناختی، خدا را هم نشناختی. چون که خدا گفته علی! امر خدا علی علیه السلام است، خودش فرمود: «اگر عبادت ثقلین کنی اما علی را به ایوم اکملت لکم دینکم، قبول نداشته باشی به رو در جهنم می اندازمت». پس اگر علی علیه السلام را قبول نداشته باشید، خدا را هم قبول ندارید. این از بی عقلی و نفهمی است که دنبال کسی که خدا تایید کرده است نمی روید و دنبال تاییدی خلق می روید! وای به حال کسانی که در مقابل ولایت ایستادگی می کنند و می گویند: «من!» آن دو نفر گفتند: «من»، بنی عباس گفتند: «من»، خلق می گویند: «من». شما هم «من» دارید که او را می خواهید و به فرمانش عمل می کنید. حالا هر دوی شما بی دین از دنیا می روید. فرمان خلق اشتباه بود، فرمان دست ماورا بود، فرمان دست رسول خدا بود. چرا فرمان خلق را اطاعت می کنید؟ بیا بید این سه حرف را عمل کنید که هر چه احکام هست در آن گنجانده شده: یکی «من» نداشته باشید، دیگر این که دنبال خلق نروید و یکی هم سخی باشید. به حضرت عباس و به پدرش قسم که رستگارید. این سه چیز، هدایت شما را تضمین می کند. چون این ها خواست خدا و خواست امیرالمومنین و حضرت زهرا علیها السلام است.

به ریسمان حبل المتین چنگ بزن! ریسمان حبل المتین، علی ابن ابی طالب علیه السلام است. این حرف ها زدنش آسان است اما در مسیر آمدنش سخت است. راهنما می خواهد. راهنمایش کیست؟ ائمه طاهرین علیهم السلام! حالا آن ها متقی را راهنمای شما قرار داده اند. خدا در هر موقعیتی یک عمود قرار داده، به امیرالمومنین علیه السلام هم می گویند یا عمودالدین! الان عمودالدین، حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه العزیز

## افشای احکام

است. آخرالزمان دست از امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الْمُرْتَفِعَ و فرمانش که متقی است، برداشته‌اید! این است که بی دین می‌روید. حالا کربلا می‌خواهی برو، مکه و عمره می‌خواهی برو. تو دین نداری! شما اول باید تشخیص نور بدهید. به غیر از وجود مبارک امیرالمومنین و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در تمام خلقت نوری نیست. اما اغلب ما دنبال ظلمت می‌رویم. بعد از تشخیص نور باید حرکت کنید و تسلیم آن باشید. خدا هم گفته «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» تسلیم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شوید. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم فرمود که تسلیم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بشوید. تو تسلیم چه کسی می‌شوی؟ تو برای یک چلو کباب می‌روی تسلیم خلق می‌شوی!

اصحاب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ تشخیص نور دادند و به امر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ عمل کردند. حالا امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الْمُرْتَفِعَ می‌فرماید: «السلام عليكم يا مطيع لله و لرسوله»، پدر و مادرم به قربانتان! مطیع امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، مطیع خداست. تو مطیع خلق می‌شوی! حالا این شیطان است که به تو می‌گوید پدر و مادرم به قربانت! بیا مطیع ولی الله الاعظم، امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الْمُرْتَفِعَ بشو! ما کجا می‌رویم؟ چرا یقین به ماورا نداریم؟ بیایید قبول کنید و از این سرچشمه‌ی آب حیات بنوشید که تا ابد زنده باشید.

وقتی خدا ولایت به شما داد همه‌ی خلقت را به شما داده است. باید مواظب باشید تا خلق به آن خدشه نزنند و ولایتتان را نگیرد. خدا حاج شیخ عباس تهرانی را رحمت کند، می‌گفت کسی بود که هزار شتر سرخ مو داشت، امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ اعتنایی به او نمی‌کرد؛

## افشای احکام

اما به دکان میثم می‌رفت و با او نجوا می‌کرد چون ولایتش را نفروخته بود. اگر تو ولایتت را حفظ کردی به جایی می‌رسی که خدا می‌گوید او منم! این جاست که آتش می‌گیرم و می‌سوزم که شما چه قدر قیمت دارید اما خودتان را ارزان می‌فروشید! مگر به موسی خطاب نشد که من مریض شدم، چرا به دیدنم نیامدی؟ خدایا مگر تو مریض می‌شوی؟! آن همسایه‌ات که مریض شده، او منم. او امر خدا را اطاعت می‌کند. تو هم امر خدا را اطاعت کن تا خدا بشوی. چرا امر خلق را اطاعت می‌کنید که با او محشور بشوید؟ همیشه در عالم دو ندا وجود دارد: ندای رحمانی و ندای شیطانی! به ما گفته‌اند که وقتی دجال بیاید، امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌المصوب می‌آید؛ اما قبل از آن هم دجال وجود دارد. تو الان خودت را امتحان کن، ببین پیرو دجال هستی یا نه! بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله چه کسی دجال بود؟ مگر هفتاد هزار نفر پی دجال رفتند؟ چند نفر دنبال امیرالمومنین علیه السلام رفتند؟ بعد از آن معاویه دجال بود، دنبالش رفتند. حواستان کجاست؟ یک عمر اشتباه کردیم و حالا هم مبتلاییم. در زمان امام حسین علیه السلام، دجال شریح قاضی بود. چه قدر درس خواند و عبادت کرد؟ چه قدر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؟ چه قدر در بین مردم قرب و منزلت داشت؟ اما کسی که غیر از امر خدا حرف بزند، دجال است! عزیزان من مواظب باشید که پیرو دجال نباشید. باید در آخرالزمان دجال را تشخیص بدهیم و دنبالش نرویم، دنبال کسی برویم که خدا معین کرده‌است. پیرو دجال، یعنی پیرو شیطان. بیا پیرو رحمان باش، بیا پیرو ولی الله الاعظم امام‌زمانت باش. اگر بخواهید که پیرو امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌المصوب

## افشای احکام

باشید باید اهل دنیا نباشید، یعنی دنیا شما را خوشحال نکند، ولایت شما را خوشحال کند، سخاوت شما را خوشحال کند. بیایید فکر کنید نجات دهنده‌ی ما کیست؟ کیست که ما را به ماورا می‌رساند؟ کیست که ما را هدایت می‌کند؟ بیایید به صراط مستقیم برگردید. مبادا که با یک عمر عبادت، اشتباه رفته باشیم. چه قدر ابن ملجم عبادت کرد؟ چه قدر شعر برای امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت؟ طوری صحبت می‌کرد که انگار بنده‌ی امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. اما به واسطه‌ی دنیا، به واسطه‌ی یک زن، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را کشت! این همه نماز خواند و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» گفت؛ اما یک «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» نگفت. بیایید ما «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بگوییم. اگر صراط مستقیم را تشخیص بدهید دست از آن بر نمی‌دارید. صراط مستقیم، علی ابن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ است. خدا یک صراط دارد. همان طور که یک خدا داریم، یک علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داریم و یک صراط داریم. صراط یعنی امر امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را اطاعت کنید وگرنه در صراط مستقیم نیستید و در صراط خلق هستید. به دینم قسم من صراط مستقیم را دیده‌ام، خیلی خلوت است. اغلب مردم در صراط خلق هستند. آن زمان هفتاد هزار نفر در صراط غیر امر رفتند و هفت نفر ماندند. الان هم همین طور است، اغلب مردم رفته‌اند. چه کسی این طرف است؟ آن‌ها را گفت مرتد و کافرند، به شما هم می‌گویند بی دین از دنیا می‌روید. مارک او را به شما هم زد. برو کنار عزیز من! تمام فریادم این است که شما جزء هفتاد هزار نفر نباشید، جزء هفت نفر باشید. مرد می‌خواهد که این طوری باشد. ما مرد نیستیم، ما مرگیم! اصلاً باید صراطی را نبینی که در آن بروی. من از اول همین طور بودم. هیچ صراطی را

## افشای احکام

به غیر از صراط مستقیم نمی‌دیدم؛ این «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» گفتن است. بعد می‌گوید «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ». خدایا ما جزء مغضوبین و ضالین نباشیم. مغضوب یعنی آن کسی که مردم را گمراه می‌کند، ضالین کسانی هستند که دنبال خلقند و دنبال ائمه علیهم‌السلام نمی‌روند. الان زمان ما هم همین‌طور شده است. چه خبر است؟ اهل تسنن چه قدر عبادت می‌کنند؟! برای نمازهای نافله‌شان هم اذان می‌گویند و با جماعت می‌خوانند. چرا اهل آتش هستند؟ پیرو خلق هستند و امر ندارند. امر خدا در تمام خلقت، علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است.

«أَشْهَدُ أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» یعنی امیرالمومنین علیه‌السلام ولی به کل خلقت است. مگر خدا صغیر است که بخواهد برای خودش ولی بگیرد؟ خلقت در مقابل ولایت صغیر است، تا حتی انبیا! چرا؟ چون همه به غیر از پیامبر آخرالزمان ترک اولی دارند. کل خلقت محتاج ولایت است و پاکی‌اش به واسطه ولایت است. اگر ما این‌طور امیرالمومنین علیه‌السلام را بشناسیم، برای علی علیه‌السلام مصداق درست نمی‌کنیم.

تمام خلقت درباره‌ی ولایت کوچک است، تمام آن‌ها باید امیرالمومنین علیه‌السلام را قبول کنند وگرنه باطل هستند. چون که امیرالمومنین علیه‌السلام مقصد خداست، مقصد خدا از همه چیز بالاتر است. تمام ائمه علیهم‌السلام یک نورند، اما امیرالمومنین علیه‌السلام هم نور است و هم مقصد! خدا فقط یک مقصد دارد. هر چیزی تا دارد اما خدا بی‌همتا است و کفواً احد است. حالا مقصد خدا هم کفواً احد است و همتا ندارد، یعنی در تمام این عالم احدی مثلش نیست

## افشای احکام

که ما طرفش برویم. یگانه است. اگر ماندی داشت، نمی‌گفت که «به عزت و جلالم سوگند اگر عبادت انس و جن کنید و علی را به ایوم اکملت لکم دینکم قبول نداشته باشید، به رو در جهنم می‌اندازمتان». پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ کفواً احد است و تا ندارد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم به سلمان گفت: یا سلمان! اگر همه خلقت یک طرف رفتند و علی یک طرف رفت، برو طرف علی! یعنی در تمام خلقت مثل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیست. اگر بود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گفت طرف او بروید. حالا شما کسی دیگری را می‌خواهید و قبول می‌کنید؟! آف بر شما! مقصد خدا از تمام این خلقت، خواستن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. اما خواستنش در این دنیا خیلی کم است! همه‌ی آن کتاب‌هایی که بار شترها بود فضائل امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است که به تمام کرات خلقت می‌رود. خدا می‌داند چه قدر مخلوق در این خلقت هست. همه این‌ها باید هماهنگ باشند و دفاع از ولایت کنند. هستی تمام خلقت وجود مبارک امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. شما هم باید با آن‌ها هماهنگ باشید و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته باشید تا از افق ولایت به شما تجلی کند و گرنه کسری دارید. رفع تمام کسری کل خلقت، محبت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

من در تمام عالم نگاه می‌کنم. تمام کرات خلقت می‌گویند علی! فقط اهل دنیا می‌گویند ناعلی! هر روز یک دور تسبیح «یا لا اله الا انت سبحانک انی کُنتُ مِنَ الظَّالِمین» می‌گویم، بعد به خدا می‌گویم وقتی یونس در دل حوت افتاد، دید که همه‌ی دریا می‌گویند علی، الان تمام دنیا ناعلی می‌گویند، یا واسطه درست کردند و به او می‌گویند علی! خدایا از این ظلمت دنیا نجاتمان بده! الان چه کسی می‌گوید علی؟ کجا حرف علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است؟ در زمان ما

## افشای احکام

شیطان خیلی پیش روی کرده است، علی علیه السلام را از ما گرفته و بدل به ما داده است. ما آخرالزمانی‌ها خیلی بدبخت شده ایم و خودمان هم نمی‌فهمیم. حضرت فرمود که در آخرالزمان هیچ‌کس پایبند دینش نیست، مگر کسانی که کنار می‌روند. به حضرت عباس تمام جانم فریاد است، می‌سوزم و نمی‌توانم تمام حقیقت را افشا کنم؛ چون خریداری ندارد. همان‌طور که متقی در بین مردم غریب است، حرفش هم غریب است. امیرالمومنین علیه السلام هم حرفش را در چاه می‌زد.

به تمام آیات قرآن! فقط متقی است که علی می‌گوید. بیایید این حرف‌ها را عمل کنید. «اِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ الْآخِرَةُ بَقَاءٌ»، دنیا فناست اما اگر امر را اطاعت کنید در همین دنیا به آخرت و بقا دست پیدا می‌کنید. بقا آن‌جاست که علی علیه السلام را قبول دارند، چهارده معصوم علیهم السلام را قبول دارند و گناه نمی‌کنند. این که ما داریم نیستی است، مگر از خلقی گمراه کنار بروید تا به هستی برسید. احدی مثل امیرالمومنین علیه السلام نیست که دنبالش بروید. خدا امیرالمومنین علیه السلام را کفواً احد می‌داند، شما هم خدا بشوید و علی علیه السلام را کفواً احد بدانید! بیین صد و بیست و چهارهزار پیامبر

۱. جوادالائم علیه السلام فرمود: پیش از ظهور مهدی، فتنه بدی واقع خواهد شد که انسان شب مومن است و شب کافر و یا در حال ایمان صبح کرده و در حال کفر شب می‌کند. هر کس چنین زمانی را درک کند تقوا پیشه کند و گلیمی از گلیم‌های خانه‌اش باشد. منتخب الاثر ص ۴۳۷

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: در آخرالزمان شیطان در ذره ذره وجود و بدنشان شرکت جسته و با خونشان آمیخته می‌شود... بهترین مردم در آن روزگار کسی است که مواظب خود باشد و در خانه خود خویشتن را از معاشرت مردم باز دارد. الزام الناصب ص ۱۹۷



## افشای احکام

داریم اما دوتا علی نداریم، پس علی علیه السلام کفواً احد است! این را باید از من قبول کنید یعنی به آن یقین کنید! آن وقت به تمام آیات قرآن آتش جهنم نه این که شما را بسوزاند، خجالت می کشد که رو به شما بیاید؛ چون محبت علی علیه السلام به شما تزریق شده است. آن محبت، هیکل شما را از آتش دوزخ بیمه می کند؛ اما محبت دیگری با آن مشترک نباشد.

خورشیدی که به تمام خلقت نور می دهد علی ابن ابی طالب علیه السلام است. به دینم قسم راست می گویم: یک روز به خانه آمدم و دیدم مور مور می شوم (می لرزم). به این ها گفتم به اتاق بالا می روم که بخوابم. تا رفتم دیدم تمام این دنیا انگار صاف شد و حضرت عیسی از آسمان به زمین آمد. من او را می شناختم. بعد جبرئیل با همان بال و پرش آمد و عیسی را گرفت که بالا بروند. یک دفعه ظلمت عجیبی در تمام فضای آسمان ایجاد شد، به طوری که دیگر نمی توانستند بروند. عیسی گفت: خدایا ما را نجات بده. خدا گفت: یا عیسی! مرا به پنج تن قسم بده. گفت: خدایا به حق محمد بن عبدالله خاتم النبیین صلی الله علیه و آله، ما را نجات بده! نشد، والله! نشد، به رسول الله نشد، به علی قسم نشد. گفت خدایا به حق وصی رسول الله، علی ابن ابی طالب علیه السلام ما را نجات بده! یک دفعه تمام آسمان روشن شد. خدا گفت: یا عیسی! تمام نور زمین و آسمان ها به واسطه ی نور علی است.

تمام این خلقت به نور ولایت زندگی می کند. یعنی حیات خلقت به واسطه ی ائمه علیهم السلام است و اگر نباشند خلقت فروریزان می شود. این ها باید باشند که خلقت باشد. وجوده بوجود. وجود این ها به

## افشای احکام

وجود خدا وصل است.

والله! تمام خلقت در مقابل علی علیه السلام عاجز است. تمام انبیا عاجزند و باید علی علیه السلام نجاتشان دهد. نور تمام خلقت به واسطه ی علی و اولاد علی علیهم السلام است. چه دارید می‌گویید؟ من ندای خدا را شنیدم، از تمام خلقت صدا می‌آمد. بیایید ندای خدا را بشنوید. تا کی صدای تلویزیون را می‌شنوید؟ کجا دارید می‌روید؟ مگر هرکسی ولایت را می‌پذیرد؟ آن موقع کج دهنی می‌کردند، حالا هم می‌کنند. مگر ولایت چیزی است که شامل هر کسی بشود؟! این قدر عده ای از این مردم بدبخت هستند که این حرف‌ها را نمی‌کشند. این طور چیزها را باید به قدرت الهی قبول کرد وگرنه قبول نمی‌کنند.

حقیقت ولایت را فقط خدا می‌داند. او می‌داند که چه چیزی را از نور خودش خلق کرده است. خدا میلیارد میلیارد عالم دارد. در تمام آن‌ها ائمه علیهم السلام تصرف دارند. این کتاب‌ها که فضائل علی علیه السلام است به کجا می‌رود؟ این‌ها را چه کسی می‌نویسد؟ ولایت گنج‌کننده ی بشر است. اما اگر خدا آن‌را به بشر القا کند، گنج نمی‌شود. چرا؟ می‌فهمد که علی علیه السلام مافوق تمام خلقت است. عده‌ای نه این‌که گنج بشوند، گنج هستند؛ وگرنه هر بی‌سرو پایی را به جای علی علیه السلام قبول نمی‌کنند. کسی که برای علی ابن ابی‌طالب علیه السلام مصداق درست کند، بدترین مردم است.

اگر این حرف‌ها به شما تزریق شود، گول نمی‌خورید و دنبال هر کسی نمی‌روید. آن وقت ولایت چنان به شما درخشندگی می‌دهد که روایت داریم آسمانی‌ها به نور مومنی که در زمین است

## افشای احکام

زندگی می‌کنند، یعنی ولایتی که دارید به جو آسمان‌ها نورافشانی می‌کند. چرا گناه می‌کنید؟ چرا خودتان را بدبخت می‌کنید؟ عده‌ای را می‌بینم هفتاد سال، هشتاد سال درس خوانده و عبادت کرده‌اند حالا یک طرف دیگر می‌روند، مگر شریح قاضی نرفت؟ مگر ابوموسی اشعری نرفت؟ تو اصلاً حالت نیست که مشرکی. چه کسی را قبول داری؟ کجا هستی؟ به یک ماشین و حقوق و پولی قانع شدی و به عبادت و زیارت هم دلت را خوش کرده‌ای! مگر آن هفتاد هزار نفر نماز نخواندند؟ روزه نگرفتند؟ حج و جهاد نمی‌رفتند؟ انفاق نداشتند؟! آن چه که سنت پیامبر ﷺ است به جا می‌آوردند، اما با همه‌ی مقدسی‌شان می‌گویند کافر و مرتدند، چون امر پیامبر ﷺ را زمین گذاشتند و رفتند دنبال خلق! عصاره‌ی سنت پیامبر ﷺ ولایت است.

خدا می‌گوید: «به عزت و جلالم قسم اگر علی را به الیوم اکملت لکم دینکم یعنی به وصی رسول الله، به امام اول قبول نداشته باشی و عبادت ثقلین کنی به رو در جهنم می‌اندازمت». مگر عبادت ثقلین شوخی است؟ ثقلین مگر انبیا نیست؟ مگر نوح نیست؟ مگر عیسی نیست؟ مگر موسی نیست؟ مگر صد و بیست و چهار هزار پیامبر (به غیر از پیامبر آخرالزمان) جزء ثقلین نیستند؟ چرا توجه ندارید؟ تمام این‌ها در مقابل ولایت ارزش ندارند. یعنی ارزش انس و جن در پیشگاه خدا به واسطه‌ی علی ﷺ است. این‌ها باید پوز بمانند در مقابل خدا و ولایت. اگر آن را قبول داشته باشند ارزش دارند وگرنه ندارند. خدا محبت علی ﷺ را واجب کرده، از هر واجب، واجب‌تر! به روح تمام انبیا آن چه که در تمام خلقت

## افشای احکام

است در یک صف ایستاده‌اند و دستشان جلوی ولایت دراز است و گرنه خدا قبولشان نمی‌کند. به علی قسم در تمام ذرات وجودم همین است! کسی را خیلی مفید نمی‌دانم، مگر متصل به علی علیه السلام باشد!

جهان اگر فنا شود علی به پاش می‌کند، جهان اگر به پا شود علی فناش می‌کند (اما به اجازه ی خدا). بشر کجا فنا می‌شود؟ آن موقعی که امیرالمومنین علیه السلام را نخواهد و دنبال خلق برود. به هیچ دردی نمی‌خورد. فقط به درد آتش جهنم می‌خورد! الان دنیا همین‌طور شده است، چه خبر است؟ کجا حرفی از امیرالمومنین علیه السلام در دنیا هست؟ در تمام رسانه‌ها هست؟ از بس با امیرالمومنین علیه السلام خوب نیستند، می‌گویند حرفش را هم نزن! همه جا حرف دنیا و اهل دنیا است. اغلب مردم کسری دارند، خلق پرست هستند و دنیا خواه! شما باید خداپرست باشید و علی خواه! ببینید هفتاد هزار نفر خدا را می‌خواهند، رسول الله صلی الله علیه و آله و قرآن را هم می‌خواهند اما چون علی علیه السلام ندارند، اهل جهنم هستند. اصلاً خدا جهنم را برای دشمنان علی علیه السلام خلق کرده است و بهشت و فردوس و جنات را برای دوستان علی علیه السلام!

خدا گفته علی، تمام خلقت می‌گوید علی. آن وقت تو به جای علی گفتن، می‌گویی خلق! پس تو نفهم‌ترین موجوداتی. حالا با همان هم محشور می‌شوی. تف بر روزگاری بیاید که معاویه اولی الامر شود و امیرالمومنین علی علیه السلام تکذیب شود! تایید، تکذیب بشود و تکذیب، تایید! اطاعتی که آن‌ها از معاویه می‌کردند، تکذیب ولایت است. باید مواظب دینتان باشید. دین ولایت است،

## افشای احکام

دین حضرت زهرا علیها السلام است، دین متقی است. هیچ کس دینش محفوظ نمی شود مگر کنار برود. این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله است که اگر می خواهید در آن زمان دینتان محفوظ باشد: انجام واجبات، ترک محرّمات، انتظارالفرج، به خیر و شر مردم کاری نداشته باش و برو کنار! برو کنار تا حضرت زهرا علیها السلام پیشوازت بیاید. به تو افتخار کند که این دوست همسر من، علی علیه السلام است، نه دوست خلق! کسی که در تمام این خلقت سرافراز است، دوست امیرالمومنین علیه السلام است. شما به امیرالمومنین علیه السلام افتخار می کنید و او هم به شما که دنبال خلق نرفتید. شبی خواب دیدم که عده ای می آمدند و علی علی می گفتند و وارد جلسه می شدند. این جلسه هم خیلی وسعت داشت. هر کسی علی نمی گفت وارد جلسه نمی شد. دیدم انگار تمام دنیا علی می گوید. به تمام آیات قرآن در دیوار، همه و همه علی می گفتند. خیلی خوشحال بودم. مثل زمان رجعت شده بود. انشاء الله شما هم جزء آن مخلوقی باشید که علی بگوید!

بیا عزیز من واحد باش، اطاعت خلق شما را از ائمه علیهم السلام جدا می کند. شبی تمام عذاب ها را در نظر آورده بودم و بررسی می کردم، دیدم عذابی از این بدتر نیست که فردای قیامت ما را از زهرای عزیز و امیرالمومنین علیها السلام جدا کنند. تا چشم کار می کند کفار است و تو هم لای همان ها می روی. هر طور می خواهد بشود، خودتان را از زهرا و علی علیهم السلام جدا نکنید! شب و روز می گویم خدایا ما را در دنیا و آخرت از ائمه علیهم السلام جدا نکن، اگر می خواهی جدا کنی مرا از صحنه گیتی بردار. اصلا در گیتی نباشم. به تمام آیات قرآن قسم،

## افشای احکام

فقط زهرا علیها السلام را می‌خواهم. پشت پا بر عالم امکان زدم، دست بر دامن زهرا زدم. شما چه کسی را می‌خواهید؟

شبی خواب دیدم در جایی هستم که یک طرف بهشت و فردوس و جنات است و در طرف دیگر حضرت زهرا علیها السلام است. به من گفتند می‌خواهی بهشت بروی؟ گفتم نه! انگار می‌خواستند مرا به زندان ببرند. به حضرت عباس مثل بچه‌ای بودم که می‌خواهند از پستان مادر جدایش کنند. نمی‌خواستم از پیش زهرا علیها السلام جای دیگری بروم. همان موقع بیدار شدم، دیدم عجب صحنه‌ای بود، معامله‌ای کردم که باخت ندارد! شما هنوز امتحان نداده‌اید. همه دارند برای بهشت کار می‌کنند. بشر باید به طوری باشد که بهشت برایش کار کند. تقوا یعنی این!

به تمام آیات قرآن با این حرف‌ها پرهای شما در می‌آید و به ماورا پرواز می‌کنید. باید آگاهی ماورایی داشته باشید وگرنه مثل این است که در بیابانی بوده‌ای و هیچ حرفی به گوش تو نخورده است. ماورا می‌گوید تا حتی اگر هفتاد نبی، علی علیه السلام را نخواهند جایشان در جهنم است. شما چرا علی علیه السلام را نمی‌خواهید و برایش مشابه درست می‌کنید؟ حالا می‌گوید اگر با دین از دنیا رفتید، ملائکه‌ی آسمان تعجب می‌کنند. مگر خدا ظالم است که بی‌جهت شما را به جهنم بیاندازد؟ کاری که می‌کنید خودش جهنم است. شما باید از زمان بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله تا الان را مطالعه کنید. چه کسی درست بود؟ چه کسی با امر کار کرد؟ چه کسی دنبال امر رفت؟ حساب کنید با امیرالمومنین علیه السلام، یعسوب‌الدین، امام‌المبین، حجت‌خدا، وصی رسول الله صلی الله علیه و آله چه کردند؟ طناب

## افشای احکام

گردنش انداختند که بیا با خلیفه‌ی مردمی بیعت کن. اما شما خود به خود دنبال مردم می‌روید و با خلق بیعت می‌کنید! از تو بدبخت تر خودت. بیعت این نیست که با یک خلیفه بیعت کنید، وقتی به حرف کسی عمل کنید با او بیعت کرده‌اید. تمام بدبختی ما برای این است که امر خلقی که از جانب خودش حرف می‌زند را اطاعت می‌کنیم. آن وقت ائمه علیهم‌السلام شما را با تمام مکه و عمره و کربلا و مشهد رفتنتان نمی‌پذیرند. کارهایت قبولی ندارد. تو پایت لق است و همه جا می‌روی.

اما آن پایی که به امر خداست، هر کجا نمی‌رود. پا و دست و جوارح شما برای خداست! حالا می‌گویید همه را در اختیار امر من بگذار. امر خدا، علی‌این‌ابی طالب علیه‌السلام است، امر خدا الان وجود مبارک امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکریمت است. آن وقت آن‌ها امر می‌کنند که در اختیار متقی بگذار. شما اگر واقعاً خودتان را در اختیار امر گذاشتید، خدا چنان کمکت می‌کند که تمام مردم دنیا در مقابل تو سست هستند. خدا قدرت خودش را به شما می‌دهد و قدرت‌الله می‌شوی. تمام باسوادها در مقابل متقی سست هستند چون که او دارد با قدرت خدا حرف می‌زند، قدرت‌الله یعنی این! متقی حرفش ماورایی است. به تمام آیات قرآن، متقی حقیقت دین و حقیقت اسلام را به شما می‌گوید. خدا نکند که خیالی بشوید و به این حرف‌ها پشت کنید. آن وقت به دینم قسم، به ولایت پشت کرده‌اید! دارم می‌بینم که ولایت و امریک طرف است و خلق طرفی دیگر، مردم هم فوج فوج طرف خلق می‌روند. طلحه و زبیر چندسال پیش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند و این‌طور شدند؟ امیرالمومنین علیه‌السلام شمشیر زبیر را در جنگ جمل به دست گرفت و خطاب کرد: ای شمشیر چه قدر

## افشای احکام

کفار را به خاک هلاکت افکندی، الان به روی وصی رسول الله ﷺ کشیده شدی! به تمام آیات قرآن اگر پشت به این حرف‌ها کنی، به روی وصی رسول الله ﷺ شمشیر کشیده‌اید. این جا چاهی بود، آن چه که بشر احتیاج داشت از آن می‌جوشید. آقای بزرگواری گفت این‌ها را جمع کن. یعنی آن چه که بشر احتیاج دارد پیش متقی است و رفع تمام احتیاج بشر این حرف‌هاست.

به تمام آیات قرآن! متقی می‌خواهد دینتان محفوظ باشد. بیایید به حرفش عمل کنید. چرا به هر مجلسی می‌روید که شما را جمع کنند تا خلق را تایید کنید؟ اسم امام حسین علیه السلام را می‌آورند اما مقصد خودشان را پیاده می‌کنند. برو کنار عزیز من! وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست از دنیا برود سلمان پیش حضرت رفت و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله اگر ما آخرالزمان را درک کردیم چه باید بکنیم؟ حضرت فرمود: انجام واجبات، ترک محرمات، انتظار الفرج، به خیر و شرم مردم شرکت نکن، برو کنار. پیامبر صلی الله علیه و آله این را به سلمان گفت، سلمان هم به ما گفت و خودش کنار رفت. روایت داریم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یک امر ما را تا آخر برسانید، ما شما را در بهشت ضمانت می‌کنیم. آیا ضامن از امام صادق علیه السلام، رئیس مذهب بالاتر می‌خواهید؟ سلمان این حرف را شنید و عمل کرد، حالا مسخره‌اش می‌کردند و می‌گفتند ریش تو بهتر است یا دم سگ؟ خاک به او می‌ریختند. اذیتش می‌کردند اما دست برنداشت، این طور بود که شد «سلمان مِّنْ اهل البيت»! ما مِّنْ خلقیم و هر چه خلق فرمان بدهد اطاعت می‌کنیم. چون می‌خواهید در بین مردم احترام داشته باشید و بگویید و بشنوید و بخندید و در دستگاه امام حسین علیه السلام هم باشید! تو در دستگاه ابن سعد هستی، کجا در



## افشای احکام

دستگاه امام حسینی؟! تو نمی توانی کنار بروی. به شخصی گفتم برو کنار، گفت یعنی منزوی بشویم؟ می خواهد منزوی نشود! پیامبر ﷺ بهتر می داند یا تو؟ تو می خواهی از مردم منزوی نشوی، او می خواهد از تمام خلقت منزوی نشوی.

به حضرت عباس! از این حرف ها مهم تر هم هست اما نمی توانم بگویم. چون هیچ کدام از شما توان آن حرف ها را ندارید. همین قدر می توانم بگویم که مواظب باشید به اعمال کسانی که امام حسین علیه السلام را کشتند راضی نباشید و شرکت نکنید به آن جا که آن ها را تایید می کنند. سلمان، اباذر، میثم، مقداد، عمار کنار رفتند و مبتلا نشدند. تمام این هایی که امام حسین علیه السلام را کشتند، پیرو خلق شدند یعنی به حرف شریح رفتند و به خون امام حسین علیه السلام شرکت کردند. این مردم شعور ندارند. آخر مگر پسر زهرا کافر می شود؟! ما به امام، کافر می شویم. هر که هر چه گفت مثل گوسفند دنبالش می دوید. چیزی هم به شما نمی دهد اما همین که صدایتان کند دنبالش می روید. حضرت فرمود: در آن زمان دینشان را برای لقمه یا به هوای لقمه می دهند. کجایی عزیز من؟! برو کنار. کنار، رحمت است؛ کنار، ثواب است؛ کنار، هدایت است. تو که کنار نمی روی هم مردم بین هستی و هم مردم خواه! نه خدا خواهی، نه ولایت خواه و نه امر خواه! این است که می گوید در آخر الزمان اگر یکی با دین از دنیا برود ملائکه ی آسمان از تعجب پشت دستشان را دندان می گیرند که چه طور دینش را با خود آورد؟

خدا در مورد هیچ زمانی نگفته است شر الازمنه. می گوید

## افشای احکام

آخرالزمان شر الازمنه، از تمام زمان‌ها بدتر است! پیامبر ﷺ فقط در مورد این زمان گفته است که اگر دینت را حفظ کردی با من و در درجه‌ی من هستی؛ از بس که کار سخت است؛ چون در این زمان، بی دینی دین شده است و دین بی دینی. امر خلق واجب شده و امر خدا و پیامبر ﷺ توهین! اغلب مردم دنبال بی دینی هستند. چنان نفهمی این‌ها را فرا گرفته‌است که از این نفهم‌تر نیست. چرا در مجلس‌هایی که خلق را تایید می‌کنند می‌روید؟ از تو بیچاره تر خودت. من این کارهای مردم را که می‌بینم همیشه مثل آدم نیمه جان هستم. اغلب بی دین شده‌اند! اصلاً حالی شان هم نیست. چرا؟ دنبال خلق هستند. اصلاً بیرون از خانه دین‌بر شده است.<sup>۲</sup> حضرت فرمود: در آن زمان نگهداشتن دین مثل آتش در کف دست است. چه طور می‌توان آتش را در دست گرفت؟ اما اگر دنبال خلق نروید و کنار باشید، ولایت آتش را خاموش می‌کند. برو کنار عزیز من!

شما نمی‌توانید کنار بروید، می‌خواهید ثواب کنید! ثوابی که به امر خلق باشد و علی علیه السلام در آن شرکت نداشته باشد گناه است! اغلب مردم ثواب بی علی و امام زمان علیه السلام می‌کنند، فساد و گناه می‌کنند، مال حرام می‌خورند، روزه و مجلس هم می‌گیرند!

---

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: در آن زمان ملازم خانه‌ات باش و گلیمی باش از گلیم‌های خانه و ساکن باش در آن مادامی که شب و روز ساکنند. روزه کافی، ج ۸، ص ۲۶۴  
از امام باقر علیه السلام بعد از بیان علامات ظهور پرسیده شد: بهترین چیزی که مومن در آن زمان انجام دهد چیست؟ فرمود: حفظ اللسان و لزوم البیت. بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۵ و کمال الدین ج ۱، ص ۳۳۰  
امام صادق علیه السلام فرمود: گلیم‌های خانه خود باشید زیرا که فتنه بر کسی است که آن را برانگیزد. تحف العقول ص ۹۱

## افشای احکام

این‌ها نتیجه‌ی ارتباط با خلق است. شما باید ارتباط با خدا و امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ داشته باشید یعنی امرش را اطاعت کنید. امر آن‌ها گناه نکردن است. هیچ گناهی در دنیا، در قیامت، در برزخ، در محشر، از این بالاتر نیست که ما ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را نخواهیم و خلق را نخواهیم. خلق خواستن، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نخواستن است و این گناه کبیره است.

خدا به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌گوید اگر از خودت حرف بزنی رگ دلت را قطع می‌کنم. همه‌ی این‌ها را فراموش کرده‌ایم و به جای این‌که منتظر امر امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ باشیم، منتظر امر خلق هستیم. در آن زمان امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بود و به حرفش نمی‌رفتند و دنبال خلقی که از خودش حرف می‌زد رفتند، خدا گفت مرتد و کافرند؛ ما هم در این زمان امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ را فراموش کرده و امر خلق را اطاعت می‌کنیم! امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ را غایب می‌دانند، اگر این‌طور است چرا متقی حرفش را از او سوال می‌کند؟ پس امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ هست، از نظر تو غایب است. به مداحی گفتم نوکر باید از بابش را ببیند؛ آیا تو زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را دیده‌ای؟ امام‌حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیده‌ای؟ خدمت امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ رسیده‌ای؟ تو ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را خلق می‌دانی و مدح خلق را می‌کنی؛ تو را چه به امام‌زمان؟! برو از کارهایت توبه کن! اگر بخواهید امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ را ببینید باید از دنیا بگذرید، چون دنیا دشمن مادرش زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است، دشمن پدرش علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و جدش حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. اما شما با دنیا واهل دنیا سروکار دارید و محبتشان را دارید! یکی از شرایطش این است که دنبال خلق نروید و خلق را مؤثر ندانید. یکی از شرایطش این است که از دشمنان زهرا بیزار باشید و با دوستان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برادر باشید. یکی از شرایطش

## افشای احکام

این است که خودتان را در اختیار خدا بگذارید نه در اختیار خلق. یکی از شرایطش این است که محبوبتان خدا باشد، مقصدتان ولایت و هیچ مقصد دیگری در این دنیا نداشته باشید. یکی از شرایطش این است که باید با فقرا شریک باشید و تا می‌توانید آن مستضعف واقعی را کمک کنید. آن‌ها خودشان همین طور بودند. امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌رفت در نخلستان کار می‌کرد و دسترنجش را به فقرا می‌داد. او با فقرا مشغول بود نه با اغنیا.

مؤمن یا متقی پی گناه نمی‌گردد، همیشه پی فرصت می‌گردد تا آن‌را که خدا در درونش گذاشته است، اجرا کند. پی فرصت می‌گردد حاجت برادر مؤمنی را برآورده‌کند، پی فرصت می‌گردد یکی را نجات بدهد. مثل چشمه خیر ازش جاری است و آرام ندارد. چشمه وصل به اقیانوس است. سخاوت متقی و مؤمن هم وصل به خدا و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است. همیشه در این فکر است که مبدا روزی از عمرم بگذرد و به دستم خیر جاری نشود. عمری که به غفلت نمی‌گذرد، این است!

شما باید وقت صدقات داشته باشید، وقت امر داشته باشید، وقت کلام داشته باشید، وقف دل خوش کردن زهرا عَلَيْهَا السَّلَام باشید، وقف دل خوشی امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام باشید، وقف اطاعت خدا باشید. کدام یک از ما این طور هستیم؟ انتظار الفرَج یعنی انتظار بکشیم که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بیاید و یاریش کنیم، تا حتی جانمان را فدایش کنیم که کار ایشان پیش برود، بیاید گردن منافقان را بزند و دل مادرش را خوش کند. ما باید همیشه در آن فکر باشیم. شما باید در اختیار امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام باشید، در اختیار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشید، نه در اختیار خلق، نه در فکر تلویزیون و ویدئو و ماهواره و

## افشای احکام

مجلس‌های عشقی و طرفداری از بدعت‌گذار! نه در اختیار شهوت و نه در اختیار خیال‌هایت. تو بنده نیستی! این است که می‌گوید بی‌دین از دنیا می‌روید اما اگر ولایت‌تان کامل باشد همه آن‌ها را خنثی می‌کنید و می‌گویید علی! عزیزان من بیایید یا علی بگویید؛ کسی که یا علی می‌گوید گناه نمی‌کند.

اگر این‌طور باشید با تمام این خلقت هماهنگ می‌شوید. آسمان می‌روید، برزخ می‌روید، بهشت هم می‌روید، جهنم را هم خنثی می‌کنید. تمام این‌ها که شما را از آن‌ها باز می‌دارد پیروی خلق و پیروی دنیاست. اما وقتی ولایت دارید در قیامت جزء خلق نیستید. خلق گرفتار اعمالش است، اما شما دارید با ولایت نجوا می‌کنید، ولایت شما را می‌پذیرد. امر را پرستش کن، تا آن‌ها شما را بپذیرند. شما خلق را پرستش می‌کنی، آن وقت آتش جهنم شما را طلب می‌کند! اگر حرف خلق را اطاعت کنید، او را پرستش کرده‌اید. حرف خلق، حرف خودش است و فانی است. اما متقی فقط حرف خدا و ائمه علیهم‌السلام را می‌زند و حرف آن‌ها باقی است. بیایید به آن متصل باشید تا شما هم باقی باشید.

اگر امر خدا را اطاعت کردید آن وقت به شما عنایت می‌کند. اما بشر خودش را از خواست خدا، جدا می‌کند. چرا خدا شما را نمی‌خواهد؟ خلق پرست می‌شوید، چرا شما را نمی‌خواهد؟ گناه می‌کنید و امرش را اطاعت نمی‌کنید، چرا شما را نمی‌خواهد؟ متکبر و خودخواه می‌شوید، چرا خدا شما را نمی‌خواهد؟ ولی‌اش را احترام نمی‌کنید و قبول ندارید و برایش مشابه درست می‌کنید. وقتی خدا شما را می‌خواهد که امریه‌های صادر شده‌اش را

## افشای احکام

اطاعت کنید. قرآن نازل‌ه‌ی خداست اما همین قرآن می‌گوید من کلام خدا هستم، علی ابن ابی طالب علیه السلام امر خدا است، در جنگ صفین امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «انا قرآن الناطق!» پس علی علیه السلام هم امر خداست و هم قرآن ناطق است. آیا می‌فهمیم یا می‌رویم دنبال کس دیگری؟ اصلا این حرف‌ها دیگر در آخرالزمان نیست، همه‌اش «من» است! همین‌طور هم دارید رشد می‌کنید و همین‌طور هم می‌میرید و همین‌طور هم می‌گویید یکی با دین از دنیا برود ملائکه‌ی آسمان تعجب می‌کند. دین علی ابن ابی طالب علیه السلام است، دین وجود مبارک امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است. والله ما دین نداریم، کجا دین داریم؟ به تمام آیات قرآن! امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از دست مقدس‌ها غایب است. نه از دست عرق خورها و قماربازها! مگر ائمه‌ی ما را چه کسی کشت؟ امام حسین علیه السلام ما را چه کسی کشت؟ مقدس‌ها و عبادتی‌ها و نماز شب خوان‌ها! آن‌ها فقط «من» دارند. شما هم دنبال همان‌ها هستید، این به شما سرایت می‌کند و بی دین می‌شوید. برو کنار عزیز من.

این همه حرف اشتباه زده‌اند، یکی گفت اشتباه است؟ حالا اگر نمی‌توانی بگویی اشتباه است، آن را در قلب و کالبد خودت اجرا نکن و به امر آن‌ها راضی نباش، آن وقت هر کجا باشی رستگار هستی. رستگاری شما زمانی قطع می‌شود که با خلق باشی و او را قبول داشته باشید. برو کنار! حضرت می‌فرماید پسر ابابکر، پسر من است. تو هم برو کنار تا بگویی پسر من هستی. اگر کنار بروی عضو خلق نیستی. عضو ولایت هستی و با آن محشور می‌شوی.

اغلب مردم پیرو خلقند، می‌گویند خدا هستم. دنبالش می‌روند؛

## افشای احکام

می‌گوید اولی الامر می‌روند؛ می‌گوید پیامبرم می‌روند. ایده‌شان پیروی از خلق است و به دعوتش لبیک می‌گویند، نمی‌خواهند دنبال امر بروند، این است که جهنمی می‌شوند! مگر باید دعوت هر کسی را پذیرفت؟ دعوت باید دعوت خدا و امیرالمومنین علیه السلام باشد وگرنه باعث جهنم توست. خدا می‌گوید «أدعونی!» دعوت کرده‌است، چرا طرف خدا نمی‌روی؟ من بعضی شب‌ها می‌گویم خدایا اگر تمام این خلقت را به من بدهی، همه را می‌دهم و یک خدا می‌گویم. اگر همه دنیا را به من بدهی، آن را می‌دهم یک علی می‌گویم. این قدر این دنیا پیش من بی ارزش است و آن‌ها ارزش دارند.

شما باید محبت دنیا نداشته باشید. چون هر کسی محبت دنیا داشت، سقوط کرده‌است. «حب الدنيا رأس كل خطيئة!» محبت دنیا ضد ولایت است. بدبخت آن کسی است که علی علیه السلام را نخواهد. اگر علی علیه السلام نداشته باشیم، ظالم هستیم. ظالم بودند که گفتند بغضاً لابی‌ک. امام حسین علیه السلام هم تمامشان را روی هم ریخت. شما باید حب علی علیه السلام داشته باشید. محبت دنیا، حب علی علیه السلام را بیرون می‌برد. می‌خواستند به حکومت دنیا برسند که این همه ظلم و جنایت کردند. چه قدر مردم را کشتند؟ چه فایده‌ای داشت؟

بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله حکومت غصب شد. هر کسی آمد قلدرد بود. من هر روز یک دور تسبیح لعنت به بنی عباس می‌کنم، تمامشان قلدردند. بیشتر ائمه‌ی ما را آن‌ها کشتند و نگذاشتند ائمه علیهم السلام حکومت کنند. حُکام، عبادت و اسلام را پرچم مقصد خودشان قرار

## افشای احکام

می دهند و مردم را عبادتی می کنند اما خدا با قلب شما سر و کار دارد. این هفتاد هزار نفر چه قدر عبادت کردند؟ اما قلبشان با آن دو نفر بود. حالا می گوید کافر و مرتد هستند.

شما به این حرف ها یقین ندارید که خلقی را برانگیخته می کنید. یقین به ولایت شما را نجات می دهد. والله بالله عبادت شما را نجات نمی دهد، نماز شما را نجات نمی دهد، مکه شما را نجات نمی دهد، عمره شما را نجات نمی دهد، صدقات هم تو را نجات نمی دهد. چون خدا می گوید: «اگر عبادت انس و جن کنی و علی را دوست نداشته باشید به رو در جهنم می اندازمت». نه این که بگوییم عبادت نکنید. شخصی می خواست به مسافرت برود خدمت امیرالمومنین علیه السلام آمد حضرت فرمود نرو. پیش دومی رفت یک رمل و اسطرابل انداخت و گفت برو. رفت و خیلی مداخل کرد. آن وقت آمد و گفت یا علی خیلی مداخل کردم، حضرت فرمود چهارشنبه پای فلان درخت نمازت قضا شد یا نه؟ گفت بله. حضرت فرمود از آن جایی که خورشید طلوع می کند تا آن جایی که غروب می کند مغبونی. پس ما نه این که بگوییم عبادت فایده ندارد، عبادت بی ولایت فایده ندارد. روح تمام عبادت ها ولایت است. عبادت را باید خدا قبول کند نه خلق. آخرالزمان ما بیشترمان عبادت خلقی داریم نه عبادت امری. شما از آن ها نباشید. قدری فکر کنید چه کار کردید؟ فکر نکن من نماز خواندم، فکر نکن من احیا رفتم، تمام این ها بدون امر پوچ است. فکر کن آیا امر را اطاعت کردم یا نکردم؟ دل مؤمنی را خوش کردم یا نکردم؟ بینوایی را به نوا رساندم یا نرساندم؟ قدمی در راه حق



## افشای احکام

گذاشتم یا نگذاشتم؟ این است امر امام زمان! این است امر خدا را اطاعت کردن!

من دیگر از این مردم ناامید شده ام، می بینم اغلب رفته اند و اهل دنیا شدند. دنیا شد ولایتشان، دنیا شد امرشان. به عقیده ی من علاقه ی به دنیا، علاقه ی به جهنم است. چون تمام این هایی که اهل جهنم شدند به واسطه ی محبت دنیا است. من قسم می خورم به قرآن، به سی جزء کلام الله و به کسی که قرآن به او نازل شده، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «مردم اهل دنیا شدند اما به دنیا نمی رسند». ببینید چه کسی به دنیا رسیده است؟ دل همان هایی که ماشین های چندین میلیونی دارند را بشکاف و بین چه قدر غصه دارند. درست است که در آن ماشین نشسته، اما دلش پر غصه است. بار دیگر حضرت فرمود: «مردم مسموم شدند» یعنی دست از ولایت برداشتند و مسموم شدند. پس توجه کنید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مواظب اعمال شماست، اعمال سرخودی و مردمی نداشته باشید، اعمالتان به خواست خدا باشد. خواست خدا، قبولی ولایت است. قبولی ولایت، این است که امر ولایت را اطاعت کنید.

تا سیر دنیا دارید به جایی نمی رسید مگر سیر دنیا نداشته باشید و سیر امر داشته باشید. یعنی امر آن ها را اطاعت کنید و کنار بروید! از اول حرفم این بوده و تا آخرین را می گویم. نجات شما در کنار رفتن است، سقوط شما در قبولی خلق است اغلب مردم هم قبولی آن را دارند. خدا متقی را در این دنیا برانگیخته کرده است که بگوید: دنبال خلقی که از خودش حرف می زند نروید، چون خلق

## افشای احکام

خودش را رنگ کرده تا مقصدش را عملی کند.

بیایید قدری تفکر داشته باشید و به آن یقین کنید. خدا باید کسی را تایید کند. بشر که نمی‌تواند کسی را تایید کند! تایید خلق اشتباه بود، تایید به دست ماورا بود، تایید خلق در ضرر و زیان بود، تایید با نور خدا بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ماییم عقل، ماییم نور خدا. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید کسی را تایید کند، امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام باید کسی را تایید کند. خلق، حق تایید ندارد و باید اطاعت کند. چون نور خدا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام باشند، از ماورای این شخص اطلاع دارند اما خلق از باطن این خبر ندارد، از قلب این اطلاع ندارد، از خباثات این خبر ندارد. همه می‌گفتند که علی جوان است و به درد خلافت نمی‌خورد اما این پیرمردی متدین و پدر زن رسول الله است و ریش بلندی هم دارد! مردم دنبالش رفتند؛ حالا خدا گفت مرتد و کافرند. نمی‌فهمیدند که این ماسک دارد و الان مارک اسلام زده و آن را قبول کردند. تمام ضرباتی که به ولایت خورد برای این است که ما پیرو تاییدی خلق شدیم. چرا متوجه نیستید؟ باید از خلق ببری تا این‌ها را متوجه بشوید. تو هنوز پی خلقی. تو هنوز در دنیایی. برو کنار! اگر کنار بروید از جانب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَوَجْهَ الْمُرُوف به شما مدد می‌رسد.

بین بعد از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کردند؟ در سقیفه جمع شدند و خلق، خلق را تایید کرد. چه ضرباتی به دین زدند؟ تا زمانی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَوَجْهَ الْمُرُوف بیاید، این ضربات ادامه دارد. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید من کشته‌ی سقیفه بنی ساعده هستم. چرا؟ آن که خدا تایید نکرده، شما تایید کردید و مرا کشتید، زحمات‌های جدم را کشتید، زحمات پدرم را کشتید، مادرمان را کشتید، ولایت را کشتید!

## افشای احکام

چرا می‌روید دنبال آن‌هایی که تایید نیستند؟! در سقیفه آن دو نفر تایید شدند و بعد از آن هم عثمان را تایید کردند. بعد هم معاویه را تایید کردند. بعد از معاویه هم یزید را برانگیختند و او هم حسین ما را کشت! مگر دست برداشتند؟ بعد هم بنی عباس را تایید کردند. اصلاً تایید کن در عالم یک حزبی است که خلقی را پس از خلقی تایید می‌کند. خدا می‌داند تمام ذرات خونم می‌سوزد؛ اما بیشتر از این نمی‌توانم افشا کنم. باید بسوزم و بسازم تا از این دنیا بروم. چه کسی این‌ها را تایید کرد؟ مقدس‌ها، نماز شب‌خوان‌ها، کسانی که یکی از آن‌ها در این زمان نیست که پیشانی و تمام صورتش پینه بسته باشد، بس که خدا خدا می‌کردند. اما چه کردند؟

خدا حاج شیخ عباس تهرانی را رحمت کند. شخصی آمد و گفت: خواب دیدم که شما گل‌خانه‌ای دارید، عده‌ای از این محله آمدند و تمام این گل‌ها را پایمال کردند. ایشان خیلی ناراحت شد و گفت تمام زحمت‌های مرا از بین می‌برند. حالا می‌خواهم بگویم آن تایید خلق بود که تمام گل‌های ولایت را پایمال کرد. چه کسی حق زهرای ما را پایمال کرد؟ چه کسی زهرای ما را کشت؟ چه کسی بچه‌اش را پایمال کرد؟ چه کسی حسین ما را زیر سم اسب کرد؟ این ثمره‌ی تاییدی خلق بود! کجا می‌روید دنبال این‌هایی که تایید نیستند؟ تو والله مشابه آن‌هایی مگر این که کنار بروی. پیامبر ﷺ فرمود: هر که زهرا را اذیت کند، مرا اذیت کرده؛ غضب زهرا، غضب من است، غضب من غضب خداست، رضایت زهرا رضایت من است؛ زهرا بوی بهشت می‌دهد. با این همه

## افشای احکام

سفارش پیامبر ﷺ، حالا زهرا ؑ کتک می خورد. چرا؟ می خواهد بگوید ای دنیا! ای عالم! ای انسان ها! این خلیفه اسلام است؟ چرا متوجه نیستید؟ کجا می رویم؟ چه کار می کنیم؟ چرا عزیز من بیدار نمی شویم؟ کاری نکنید که حضرت زهرا ؑ را مثل آن موقع غریب کنید. بیایید تاییدی رسول الله ﷺ را قبول کنید.

طناب گردن امیرالمومنین ؑ انداختند و چند نفر هم هل می دادند که بیا با خلیفه ی اسلام بیعت کن. تو باید با علی ؑ بیعت کنی نه او با تو! هیچ یک از این مسلمان ها نفهمید و اعتراض نکرد! فقط حضرت زهرا ؑ دفاع کرد! هیچ کسی در تمام خلقت مانند حضرت زهرا ؑ، امیرالمومنین ؑ را شناخت که جانش را فدایش کند. زهرای عزیز ؑ جانش را نه فدای علی ؑ، فدای امر خدا کرد. امر خدا علی ابن ابی طالب ؑ است.

الان چه کسی حمایت از ولایت می کند؟ به آن کسی که بخواهد حرف ولایت بزند، می گویند حرف نزن، مردم هم قبول می کنند! چون می خواهند اسلام داشته باشند، خوش هم باشند. الان چه کسی طرفدار علی ؑ است؟ اغلب مردم رفته اند. شما نروید!

بغض دشمنان علی ؑ باید به ما تزریق شود. تو باید آن چنان به عقایدت محکم باشی که جان بدهی اما از بیزاری دشمنان زهرا دست برنداری. فقط دلم می خواهد تمام حواستان پیش ولایت باشد. ما باید جانمان را نگه داریم تا فدای ولایت کنیم؛ اگر این طور باشید درست است وگرنه به درد نمی خورید و هیچانی هستید. ما عقب افتاده ی ولایت شده ایم. متقی می خواهد شما را از آن نجات بدهد. اگر بخواهید عقب افتاده نباشید دست از خلق بردارید، تا می توانید کنار بروید و به اولیای امور کاری نداشته باشید. هر کسی

## افشای احکام

کارش را محکم انجام دهد؛ کشاورز کشاورزش را کند، محصل درسش را بخواند، کاسب کاسبیش را کند و غش در معامله نکند که همگی باعث ترقی مملکت شوید. آن‌ها خودشان هم این را می‌خواهند.

بیایید محبوب خدا شوید. اگر مقصد خدا را عملی کنید محبوب خدا می‌شوید. آن‌ها در این دنیا آمده‌اند که ما را به نجات ابدی برسانند، خودمان دنبالشان نمی‌رویم. آیا خانه‌ی امام صادق علیه السلام را آتش زدند، یک نفر از این مسلمان‌ها اعتراض کرد؟ به حضرت عباس الان هم اگر متقی را بگیرند هیچ‌کس حمایت نمی‌کند. مگر جرم امام حسین علیه السلام چه بود؟ جرمش این بود که خلیفه‌ی وقت را قبول نکرد. امیرالمومنین علیه السلام چه جرمی داشت؟ امام حسن علیه السلام چه جرمی داشت؟ آن‌ها جرم تمام خلقت را شفاعت می‌کنند. حالا می‌روند آن‌ها را می‌کشند! علی اکبر را چرا کشتند؟ علی اصغر را چرا کشتند؟ قاسم را چرا کشتند؟ می‌گویند چرا کسی را می‌خواهید که ما را نمی‌خواهد؟ تقصیر کار را بی تقصیر می‌کنند و بی تقصیر را تقصیر کار! دلم می‌خواهد این‌ها را بفهمید و دنبال کسی نروید و کنار بروید. مگر می‌شود گفت؟ حرف‌های خیلی مهمی است که اگر بزنم جرم است. من فقط هشدار می‌دهم و تاریخ گذشتگان را می‌گویم. به تمام آیات قرآن، هیچ‌کسی نمی‌تواند درد مرا شفا دهد مگر رجعت! اگر صدها میلیارد به من بدهند می‌سوزم. می‌ترسم بگویم که چه کسی مرا آتش می‌زند. آن کسی که دین را آتش می‌زند. مردک می‌گوید اشهد ان علیاً ولی الله نگویید، این آدم را آتش می‌زند. آخر چرا نگوییم؟

## افشای احکام

تمام حرف‌هایم این‌است که دنبال کسی نروید. به تمام آیات قرآن! خلقی که از خودش حرف بزند از شیطان بدتر است. شیطان وسوسه می‌کند اما این مجسم می‌شود و جلویت می‌آورد. متقی می‌خواهد ولایت را به شما تزریق کند، اما آن‌ها می‌خواهند خودشان را به شما تزریق کنند. حالا چه کسی دنبال آن‌ها نیست؟ به حضرت عباس اگر به این حرف‌ها عمل نکنید با آن‌ها محشور می‌شوید.

این حرف‌ها دین شما را محکم و ولایت شما را استوار می‌کند، یعنی نمی‌گذارد خدشه به ولایت شما بخورد. اصل در تمام خلقت ولایت است. ولایت یعنی دنبال خلق نرفتن، ولایت یعنی من نداشتن، ولایت یعنی مطیع بودن! شاه عبدالعظیم به امام هادی علیه السلام گفت اگر سببی را از درخت بچینم و بگویی نصفش حرام و نصفش حلال است، نیمه‌ی حلال را می‌خورم و بقیه‌اش را دور می‌اندازم. حضرت فرمود عقیده‌ی ما همین است. عبدالعظیم رفت، حضرت صدایش زد و گفت این عقیده را تا به آخر برسان و کنار برو. کنار رفت و کنار ماند، نه این‌که از یک جای دیگر سر در بیاورد. او در بست در اختیار امام است. حالا زیارتش مطابق زیارت امام حسین علیه السلام است. تو اگر در اختیار امام باشی، در اختیار کس دیگری نمی‌روی. تمام بد بختی زمان ما این‌است که در اختیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستیم. همه‌ی این حرف‌ها خواست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کنار رفتن، عبادت است؛ کنار رفتن، اطاعت است؛ کنار رفتن، علی دوستی است؛ کنار رفتن، زهرا دوستی است؛ کنار رفتن، احکام دوستی است؛ کنار رفتن دین و

## افشای احکام

ولایت محفوظ است.

به تمام آیات قرآن! اگر شما خودتان را در اختیار خدا و ائمه علیهم السلام بگذارید، خدا سلطنت جهانی به شما می دهد. الان این ها سلطنت خیالی دارند. سلطنت جهانی یعنی همه جا می توانی بروی. به حضرت عباس! برزخ می روی، قیامت می روی، بهشت و آسمان می روی. تمام جهان در قبضه ی قدرت تو می آید. جهان جسم است، شما روح می شوید. یعنی با روح واقعیت این جهان هماهنگ می شوید. کجایی عزیز من؟ خدا به اشیا می گوید امر متقی را اطاعت کنید. ما این طور نیستیم که بیایند امر ما را اطاعت کنند. ما خودمان جزء اطاعت کن مردمیم، چه بهره ای از این حرف ها برده ایم؟!

پس ما باید قدری اندیشه داشته باشیم و اطاعت کنیم. این قدر دست و پا این طرف و آن طرف نزنید. مگر شما به دینتان شک دارید که هی پیش این و آن می روید؟ معلوم می شود که هنوز در ولایت لنگر نینداخته اید. آخر، تو که می روی حرف ولایت را از این آقا سؤال می کنی او اصلاً نمی داند ولایت چیست؟ این آقا، ولایتش دنیا است. این، هنوز پایبند قدری آجر و آهن و رنگ و سیمان است که روی هم بگذارد و درونش برود. این آقا اهل دنیا است به ولایت مربوط نیست! آن ها شما را گیج می کنند، اما متقی راه را نشانان می دهد و می گوید: بیایید در خانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بروید تا یک نظر به شما بکند. خدا آقای خوانساری را رحمت کند. بعضی وقت ها ایشان می گفت: امام زمان! آقا جان! تو اختیاردار خدایی. به سگ بگویی آدم شو، به آدم بگویی سگ شو، می شود، بگو متقی آدم شود. اگر واقعاً در خانه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را بزیند به شما نظر

## افشای احکام

می‌کند. چرا این قدر این طرف و آن طرف می‌زنید؟ از حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل است که مدتی در کربلا تدریس می‌کردم، وقتی مشغول درس می‌شدیم جوان کفاشی می‌آمد و به درس گوش می‌داد. من از این‌که شخص پینه دوزی به سر درس می‌آید قدری ناراحت می‌شدم اما بعد از مدتی با هم آشنا شدیم. روزی به او گفتم که روز جمعه برای ناهار به منزل ما تشریف بیاورید! گفتم: به شرط آن‌که هیچ سختی به خود ندهید! گفتم: حتماً.

روز وعده به خانه آمدم و یادم افتاد که من امروز مهمان دارم و چیزی تهیه نکرده‌ام و پول خیلی کمی دارم. یادم افتاد که در خانه بیست و پنج ریال دارم که امانت است، با خود گفتم آن‌را امروز صرف کباب می‌نمایم و تا یک هفته‌ی دیگر به آن شخص می‌رسانم و یقین داشتم که او هم راضی است. با پول خودم نان و ماست و سبزی خریدم و با پول امانتی کباب خریدم.

وقتی کفاش به خانه آمد. دیدم نان و سبزی و ماست می‌خورد و ابدأ از کباب نمی‌خورد! گفتم: از کباب میل کنید! گفتم: مگر بنا نبود به خود سختی ندهید؟ چرا با پول امانتی کباب خریدید؟! من یک مرتبه تکان شدیدی خوردم و گفتم: یقین دارم که صاحب آن امانت راضی بود که مصرف کنم و بعد به او بپردازم. گفتم: از کجا یقین کردید که یک هفته دیگر زنده هستید و پول را به او می‌رسانید؟ من خیلی خجالت کشیدم و از اطلاع آن کفاش غرق در تعجب شدم. جوان بعد از آن خداحافظی کرد و رفت و دیگر او را در کربلا ندیدم.<sup>۳</sup>

۳. مطلع انوار جلد اول ص ۱۵۵



## افشای احکام

«أَلْعَلْمُ نَوْرٌ يَقْذِفُهُ اللهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ». بیایید به سواد و درس خودمان نمره ندهیم، به آن که خدا داده نمره بدهیم. به این کفاش خدا داده بود، امام به او نظر کرده بود. بیایید به امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْكَرِيمَ اتکا کنید که نادیده را برایتان دیده کند. برای این کفاش نادیده را دیده کرده بود.

ما هنوز در ولایت لنگر نینداخته‌ایم؛ یکی از اهل علم، خدمت یکی از مراجع کتابی آورده بود و بحثی داشت. می‌گفت: این که امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «أَنَا الْخَالِقُ» با خالقیت خدای تبارک و تعالی چه مناسبتی دارد؟ آن مرد بزرگوار، هر طوری که به او می‌گفت، قانع نمی‌شد. در ابتدا وقتی که من وارد مجلس شدم آن عالم بزرگوار بلند شد و به استقبالم آمد و مرا در بغل گرفت و بوسید، دیدم در آن مجلس جا افتادم و می‌توانم حرف بزنم، به خاطر همین گفتم ایشان را به من حواله کن. به آن شخص گفتم: خدا به قدر مغز هر کسی ولایت به او داده است. ما به تکلیف رسیده‌ایم هنوز به بلوغ نرسیده‌ایم که ولایتمان کامل باشد، ما در ولایت ناقص هستیم. ایشان خیلی ناراحت شد و گفت: نه! گفتم روایتی برای شما نقل می‌کنم که بدانید ما در ولایت کسری داریم: شخصی به نماز جماعت آمد اما به تکبیرة الاحرام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نرسید و هفتاد شتر داد که به ثوابش برسد اما نشد (البته امام جماعت آن نماز باید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، نه هر کس! چون که امام جماعت شروطی دارد، شرط اولش این است که باید شیعه باشد.) اما شخص دیگری به چهار رکعت نرسید. حضرت رو به جمعیت کرد و گفت: این شخص ثوابی کرده است که اگر آن را به ثقلین تقسیم کنند، تمام آن‌ها رستگار می‌شوند. گفتند چه کردی؟ گفت: به نخلستان‌ها رفتم تا

## افشای احکام

امیرالمومنین علی علیه السلام را ببینم.

بعد گفتم آیا تو عقل ولایت داری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله چه می گوید؟ حسابش چیست؟ مگر ما درک ولایت داریم؟ اگر بگوییم این دنیایی که به منزله ی استخوان خوک در دهان سگ خوره دار است را علی علیه السلام خلق کرده، جسارت به امیرالمومنین علیه السلام کرده ایم، علی علیه السلام خلقت هایی را خلق می کند! ثقلین با یک دیدن علی علیه السلام رستگار می شوند. حالا این نگاه، چه نگاهی است؟ این نگاه اطاعت است. آیا اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله هم که علی علیه السلام را می دیدند. این ثواب را می برند؟ نه! چون عقیده ندارند. این ها اطاعت نمی کردند تا حتی جبت و طاغوت شدند. اصل دین، اطاعت امر ولایت است. این همه اهل تسنن پیامبر صلی الله علیه و آله را احترام می کنند؛ اما چون امر پیامبر صلی الله علیه و آله را اطاعت نمی کنند، فایده ای ندارد. امر پیامبر صلی الله علیه و آله، علی ابن ابی طالب علیه السلام است. ما هم شیعه ی بی امر هستیم. اگر شیعه واقعی باشید، نه این که از مردم بهتر باشید، از انبیا هم به غیر از پیامبر آخرالزمان بالاتر هستید. شما باید ترک اولی هم نداشته باشید. ببینید بشر می تواند به کجا برسد، حالا چه قدر کلاه سر ما می رود؟ دنیا می گذرد. خوش به حال آن کسی که در قیامت جایش خوب باشد. همه ی مردم به غیر از کسانی که ولایت دارند جایشان بد است. الان چه کسی علی می گوید؟ خیلی شیطان پیش روی کرده است. پیش رفتنش این است که علی علیه السلام را از ما گرفته و بدل به ما داده است. حالا می گوید یکی با دین از دنیا برود ملائکه ی آسمان تعجب می کنند. امام رضا علیه السلام فرمود: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی بشرطها و شروطها

## افشای احکام

و انا من شروطها»، شروط لا اله الا الله ماییم. الان چه کسی ائمه علیهم السلام را قبول دارد؟ اصلاً ما در یک خط دیگری افتاده ایم. چرا می‌گوید هر لقمه‌ای که به مؤمن بدهید ثواب هفتاد حج و عمره دارد؟ آن مؤمن، علی علیه السلام دارد. حالا در آخر الزمان از مؤمن بدشان می‌آید!

همان قدر که مردم آخر الزمان مذمت شده‌اند، مومن سفارش شده است، اما کار را به آخر برساند. یک مرتبه سلیقه‌ای نشود. اُسامه نرساند، طلحه و زبیر نرسانند. کجا این طور می‌شوی؟ من داری و می‌خواهی خلق تامينت کند! پول نداشتن ننگ نیست، دنبال خلق رفتن ننگ است. خدا در قیامت می‌گوید «أَيْنَ الرَّجِيونَ؟» «أَيْنَ الْفُقَرَا؟» بیایید هر چه بخواهید به شما بدهم. من در تمام عمرم مستقل بودم و دستم را جلوی کسی دراز نکردم، تا حتی پدرم. شبی خواب دیدم که وسط حیاط هستم و یک بشکه نان آن جاست آن قدر پایم درد می‌کرد که نمی‌توانستم بروم و از این بشکه نان بردارم. دو نفر وارد شدند و گفتند: فلانی! ما از طرف بازرگان‌ها آمده ایم، هر چه بخواهی برایت فراهم می‌کنیم تا حتی ماشین سواری! گرسنه بودم اما گفتم من هیچ احتیاجی ندارم. این‌ها رفتند و پدرم را آوردند. خدا او را پیامرزد. گفت: حسین! بابا! تو که نمی‌توانی بروی یک لقمه نان بخوری، این‌ها که می‌گویند آن چه که بخواهی برایت تهیه می‌کنیم، چرا قبول نمی‌کنی؟ گفتم پدر جان! من چند سال با شما بودم؟ گفت بیست سال، گفتم: آیا به شما گفتم یک ریال به من بده؟ دیدم خجالت کشید. بعد گفتم: اگر بخواهند عطایی کنند می‌گیرم، اما هیچ

## افشای احکام

وقت خودم چیزی طلب نمی‌کنم و از خواب بیدار شدم. تو صبح تا شب دستت جلوی مردم دراز است. دینت را داده‌ای. ایمانت را داده‌ای. کجایی عزیز من؟ وقتی از خلق تمنایی داشتید او به شما طمع می‌کند. قانع و راضی باش و برو کنار. چرا کنار رفتن، این همه مشکل است؟ چون منافع ظاهری ندارد. اگر لای مردم باشی منافع داری. منافع چشم‌چرانی و خوشی داری، منافع پولی و عشقی داری. از این‌ها نمی‌توانید بگذرید.

خدا هشت شهر قوم لوط را به واسطه‌ی عمل جنسی زیر و رو کرد. در زمان خلافت عمر، شخصی ارباب خود را کشت و ادعا کرد که این عمل را با او کرده‌است و عمر می‌خواست حکم اعدام او را بدهد، امیرالمومنین ع فرمود: مقتول را خاک کنید و سه روز بعد قبرش را بشکافید. وقتی قبر را شکافتند دیدند فقط مقداری خاکستر آن جاست. حضرت فرمود: او را به قوم لوط ملحق کردند! اگر کسی با جوانی عمل جنسی کند، نمی‌تواند با خواهر او ازدواج کند! این حکم، فتوایی نیست، بلکه یک حکم الهی است. شخصی به خانه آقای بروجردی آمده بود و با گریه سوال می‌کرد که من مبتلا به این مشکل شده‌ام و چند فرزند دارم و اگر زنم را طلاق بدهم آبرویم می‌ریزد. حالا چه کار کنم؟ آقا فرمود: زنت به تو حرام است. در آخر الزمان بعضی از مردم به این کارها مبتلا هستند که می‌گویند بی‌دین از دنیا می‌روند. این کتاب، کتاب تذکر است و این حرف‌ها بی‌حیاگری نیست؛ بلکه عین حیاست. حالا اگر شما جوانان عزیز بخواهید که مبتلا نشوید باید نگاه بد نکنید چون که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر نگاهت به نامحرم افتاد و به آسمان نگاه کردی، تمام ملائکه‌ی آسمان برایت طلب مغفرت

## افشای احکام

می‌کنند و اگر به زمین نگاه کردی، تمام ملائکه‌ی زمین برایت طلب آمرزش می‌کنند. چون که تو از آن گذشته‌ای! این ملجم نگاه به آن زن کرد و مبتلا شد پس تا می‌توانید از نگاه غیر امر پرهیز کنید. با این حرف‌ها حجت به شما تمام است. به حضرت عباس من خودم وقتی به سردابه‌ی امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ رفتم تا دیدم زن و مرد قاطی هستند، یک ثانیه نایستادم. فوراً عقب گرد کردم و بیرون آمدم.

طاووس پره‌های خودش را می‌کند، گفت این پرها مرا گرفتار می‌کند. تصمیم بگیرید گناه نکنید تا گرفتار نشوید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: ای دوستان ما، شما عضو ما هستید اگر گناه کنید جدا می‌شوید. دوست آن‌ها کسی است که کارگشای مردم باشد، سرپرست فقرا باشد. حاجت مردم را برآورده کند یعنی تمام وجودش خیر باشد. ائمه طاهریں عَلَيْهِمُ السَّلَامُ همین طور بودند. سه روز سه روز نمی‌خوردند و غذایشان را به فقرا می‌دادند. حالا می‌گویند تو این کار را نکن، هم بخور و هم بخوران. وقتی گناه به بشر غلبه می‌کند که سخاوت از او گرفته شود. سخاوت شما را از هر بلا و عیبی نجات می‌دهد. خدا در مورد هیچ عبادتی نمی‌گوید صفاتی دارم که منحصر به خودم است. آن را به کسی می‌دهم که سخی باشد. علتش این است که شما به فقرا روح می‌دهید، میراث خدا فقر است. اشخاصی بودند در مجلسی که ما روضه‌ای می‌خوانیم، می‌آمدند و با ما سکونتی داشتند. اول سخی بودند و به شرکت در مجلس امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ موفق می‌شدند. مجلس حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ آن است که حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را تایید کند، نه خلق را! سخاوت که از آن‌ها

## افشای احکام

گرفته شد، خدا مجلس حسین علیه السلام را هم از دستشان گرفت و ما دیگر آن‌ها را ندیدیم!

به حضرت عباس آن قدر از دنیا سیرم که اگر محض برآوردن حاجت برادر مومن نبود، دقیقه‌ای نمی‌خواستم در دنیا بمانم. می‌بینم همه‌ی دنیا را فساد گرفته است. اصلاً فسادخانه شده، هیچ‌کسی هم متوجه نیست. خدای ما شده پول! ولایت ما شده پول! خیالبافی می‌کنی و نقشه می‌کشی که اگر با پولم این کار را کنم بهتر است، نمی‌گویی که آیا خدا و امیرالمومنین علیه السلام راضی هست یا نه؟ کسی که قانع و راضی است هیچ احتیاجی به خلق ندارد؛ امیرالمومنین علیه السلام کفایتش می‌کند، چون کس دیگری را موثر نمی‌داند. دوست امیرالمومنین علیه السلام برکات خرج می‌کند، به داشتن مال دنیا نیست. وقتی ما ولایت را فراموش کردیم خدا هم ما را فراموش می‌کند. من حرفم این است که قانع و راضی باشید تا از دامن حضرت زهرا و امیرالمومنین علیه السلام گرفتار دامن خلق نشوید. تمام این مردم مبتلا هستند مگر کسانی که پیرو واقعی اهل بیت باشند! اغلب شما گرفتارید؛ یا گرفتار خانمتی یا گرفتار پسرت و یا پدرت! اما متقی آزاد است و مردم را از گرفتاری نجات می‌دهد چون فقط امر را می‌بیند.

به دینم نمی‌توانم حرفم را بزنم دلم گرفته است، خیلی خسته‌ام؛ می‌بینم فوج فوج دارند به سمت جهنم می‌روند و هیچ هم حالیشان نیست. به متقی می‌گویند حرف نزن، شما هم اصلاً حمایت نمی‌کنید چون برایتان خوشی فراهم کرده‌اند. می‌خواهید خوش باشید، تلویزیون و ویدیو و ماهواره بزنید، مسافرت بروید،

## افشای احکام

بیابان بروید، دور هم بنشینید و عشقی صحبت کنید. وقتی به کربلا رفته بودم، دیدم به فاصله صد متر تا حرم امام حسین علیه السلام، آنتن تلویزیون و ماهواره زده اند. مردم عراق قبر امام حسین علیه السلام را احترام نکردند و کفران کردند، حالا خدا به ترس و بلا مبتلایشان کرد. عزیزان من این مملکت، مملکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مبدا کفران کنیم و حضرت را احترام نکنیم که مانند آن‌ها مبتلا شویم. شما باید آینده‌ی ولایت باشید، آینده‌ی امر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید، نه آینده‌ی دنیا! آینده‌ی ولایت حمایت از امر ائمه طاهرين علیهم السلام که متقی است می‌کند، شما از اهل دنیا حمایت می‌کنید! بیشترتان مجسمه‌ی گمراهی هستید نه مجسمه‌ی هدایت!

تمام بدبختی بشر این است که خلق را موثر می‌داند، بیابید دست از این کارهایتان بردارید تا هدایت شوید. کجا می‌روید دنبال خلق؟ این همه که تکرار می‌کنم کنار بروید چون هیچ چیزی بدتر از این نیست که طرف خلق بروید. البته خلقی که پیرو امیرالمومنین و ائمه طاهرين علیهم السلام نباشد، آن خلق نیست مرگ است! والله بالله، مرگ بهتر از آن است. چونکه تو دینت را در کف دست گرفته‌ای و فردای قیامت زهرای عزیز علیه السلام به تو افتخار می‌کند، افتخار به شیعه می‌کند که طرفدار امیرالمومنین علیه السلام است، ولایتش را به خلق فروخته است. چه کسی توان دارد که ولایت را بخرد؟ ولایت مطابق کل خلقت ارزش دارد. این‌ها که ولایتشان را می‌فروشند، ولایتشان مطلق نیست. تمام این‌هایی که دنبال خلق رفتند، ولایتشان را فروختند و امر خلق را خریدند!

## افشای احکام

همه چیزمان را باید بدهیم، دینمان را ندهیم! یعنی جانمان را بدهیم، عمرمان را بدهیم، مالمان را بدهیم اما دینمان را ندهیم. دین ولایت است. چون که تمام این خلقت در مقابل آن نیستی است، اما ولایت هستی است. نباید دینت را به خلق بدهی. من عقیده‌ام این است که در آخرالزمان همه‌ی ما پشت به دین کردیم و رو به اسلام مصنوعی و با آن ما را بازی داده‌اند. اصلا ما از شرافت و کرامت و عظمت افتاده‌ایم و بدبخت شده‌ایم.

بشر باید جهان بین باشد. یعنی از اول بعد از رسول الله ﷺ بررسی کند، چرا اهل تسنن این طور شدند؟ چه طور شد که امام حسین علیه السلام را کشتند؟ تمام این‌ها پیرو خلق بودند. بیایید تصمیم بگیرید دنبال خلق نروید. دنبال خلق رفتن پشت به احکام کردن است، خلق را خوشحال کردی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را ناراحت! آن وقت دیگر حضرت زهرا و ائمه علیهم السلام تو را نمی‌پذیرند. وقتی امیرالمومنین علیه السلام ضربت خورد مردم برایش شیر آوردند. حضرت گفت: حسن جان! در آخر جمعیت، ظرف شیر آن زن را بگیر و بیاور. همه را رد کرد و از هیچ‌کس دیگری شیر نگرفت، چون می‌دانست این‌ها حسینش را می‌کشند. حالا که انفاقشان را رد کرد، خودشان هم رد هستند. خدا نکند آن‌ها ما را رد کنند. کسی که دنبال خلق است تکذیب است، تایید نیست. تا می‌توانید کنار بروید. اگر ایمان به علی و اولادش علیهم السلام دارید کنار بروید!

ما باید به ندای «هل من ناصر» آن‌ها پاسخ بدهیم. والله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف دارد «هل من ناصر» می‌گوید، زهرای عزیز علیها السلام تا آخر «هل من ناصر» گفت. چه قدر سوار الاغ شد و رفت که مهاجر



## افشای احکام

و انصار را دعوت کند، یک نفر نیامد. اما نگاه کنید وقتی عایشه سوار شتر شد، چندین هزار نفر دنبالش رفتند. مردم دنبال باطل هستند، نه دنبال حقیقت! دنبال هیچ‌کسی نروید عزیزان من، مگر آن کسی که آن‌ها تایید کرده باشند. همیشه همین طور بوده است، عمو و عموزاده‌های امام رضا علیه السلام مخالفش بودند و جواد الائمه علیه السلام را منکر شدند. حالا باید یک شعبده باز بگویند که جواد الائمه علیه السلام پسر امام رضا است تا این‌ها قبول کنند. امام زاده‌ها حرف شعبده باز را قبول کردند اما حرف امام رضا علیه السلام را قبول نکردند! والله امام رضا علیه السلام از امام حسین علیه السلام غریب‌تر است. چرا؟ قوم و خویش‌های امام حسین علیه السلام جانشان را فدایش کردند اما آن‌ها اصلاً امام رضا علیه السلام را قبول نداشتند. الان به حضرت عباس! متقی هم غریب است. این همه هم خدا سفارش او را کرده است. چه کسی اطاعت می‌کند؟ اصلاً می‌گویند حرف هم نزن. چه روزگاری بود و چه روزگاری شد و چه روزگاری می‌شود!

به غیر از متقی هیچ‌کسی در این دنیا نیامده است که بگوید با خدا باش، با زهرا علیه السلام باش، با امیرالمومنین علیه السلام باش. مگر هر کسی که جلو افتاد باید دنبالش بروید؟ چرا با هم هماهنگ می‌شوید و خلقی را برانگیخته می‌کنید که به آن چه گناه می‌کند شریک باشید؟ برو کنار تا حجة ابن الحسن رضی الله تعالی عنهما تشریف بیاورد. خود امام زمان رضی الله تعالی عنهما هم کنار است. چرا امام زمان رضی الله تعالی عنهما باید در جزیره‌ی خضرا برود؟ باید این‌جا باشد و مردم رفت و آمد بکنند و حرف بشنوند. ما بیشترمان عاق امام زمان رضی الله تعالی عنهما هستیم! اغلب مردم در مقابل ائمه علیهم السلام «من» دارند و ایستادگی می‌کنند. گفتم رستگاری سه چیز است: «من» نداشته باش، دنبال خلق نرو،

## افشای احکام

سخی هم باش. آن وقت شما از تمام این مردم ناجور کنار هستید و بی دین نمی روید. دین یعنی این! چه خبر است؟ بیشتر ما قوه‌ی مجرم و قوه‌ی ظالم هستیم یعنی دورش را می‌گیریم و باعث می‌شویم که اوج پیدا می‌کند. وگرنه او خودش به تنهایی کاری از دستش بر نمی‌آید. شما باید که آن‌ها را تایید می‌کنید!

یکی از دوستان امام صادق علیه السلام رفیقی داشت. به او گفت مرا پیش امام ببر که مبادا کارم اشکال داشته باشد. چون در دستگاه بنی امیه کاتب بودم و نوشتم هفتاد هزار نفر به کربلا رفتند. من در قتل امام حسین علیه السلام اصلاً شرکت نکردم. وقتی امام صادق علیه السلام این‌را شنید آن قدر گریه کرد که از محاسن مبارکش اشک می‌چکید. حضرت گفت: یکی کاتب شد، یکی شمشیر تیز کرد، یکی اسب نعل کرد، جمع شدید و جد مرا کشتید. یعنی تو متصل به آن‌ها هستی. کجا به هر مجلسی می‌روید که به بدعت‌گذار وصل باشید؟ برو کنار. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: انجام واجبات ترک محرمات انتظار الفرج به خیر و شر مردم شرکت نکن، برو کنار.

امام صادق علیه السلام فرمود: گوشت بدنت که از حقوق بنی امیه پرورش خورده است باید آب شود. لباسهایت هم به درد نمی‌خورد. او هم اطاعت کرد و به بیابان رفت و خیلی فرسوده شد. خبر به حضرت دادند. حضرت گفت برای برادرتان لباس ببرید و بیاوریدش. چه خبر است؟ کجا می‌روید؟ کاری هم نکرده، کاتب بوده است. تو کاری نمی‌کنی، به غیر امر راضی هستی حالا جزء این‌ها هستی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به عمل هر قومی راضی باشی، جز آن قوم هستی». امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اگر سنگی را دوست داشته باشی با او محشور می‌شوی». شما او را می‌خواهید

## افشای احکام

که به رویش می‌خندید. والله امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منع کرده‌است. می‌گوید به روی دوست ما بخند. تمام گفتار و کردارت را در نظر آورده‌است. چه خبر است؟ بیایید از کرده‌هایتان توبه کنید و مثل تازه مسلمان‌ها، مسلمان شوید و تصمیم بگیرید که هیچ کجا به غیر از امر نروید. باید بنده باشید و امر را اطاعت کنید. مرجع ما، رهبر ما، امید ما، مقصد ما باید امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد. الان کدام یک از ما امر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را اطاعت می‌کنیم؟ ما باید پرچم امر دستمان باشد یعنی واحد بشویم، نه حرف از خودمان بزنیم و نه دنبال کسی که حرف از خودش می‌زند برویم. خوش به حال آن آدمی که این‌طور است.

باید آن قدر پیش بروید که به امام زمان و حضرت زهرا و امیرالمومنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ محرم شوید. خلق شما را از این‌ها دور می‌کند و به خودش نزدیک می‌کند، مگر دنبالش نروید. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ جانش به قدر تمام خلقت می‌ارزد؛ جانش را داد، اکبر و اصغرش را داد، عباس و عون و جعفرش را داد اما زیر بار یزید نرفت. تو هم باید همین‌طور باشی و زیر بار غیر امر نروی، آن وقت پیرو امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ هستی! شخصیت خودت را حفظ کن. چرا خودت را به یک احترام خلق می‌فروشی؟ او خودش و احترامش نابود شدنی است. اما احترام ولایت ابدی است! می‌شوی «سلمان منا اهل البیت»! چه‌طور دستت را می‌گیرد! اما تو دستت پیش خلق دراز است. تو «من» داری، او هم منش را به تو می‌دهد. اما متقی تو را نجات می‌دهد. خدا می‌گوید من به او علم دادم و تمام اعمال و گفتارش را قبول می‌کنم. کجا تو را تایید کرده‌است که حرف

## افشای احکام

از خودت می‌زنی و می‌گویی امام حسین علیه السلام دست در قلب زینب نگذاشته است؟

وقتی که امام حسین علیه السلام از حضرت زینب علیها السلام طلب پیراهن کهنه کرد، زینب علیها السلام غش کرد و افتاد. حضرت دست در قلب زینب علیها السلام گذاشت و تصرف ولایی کرد. زینب علیها السلام به هوش آمد، امام حسین علیه السلام گفت: خواهر جان! تا این جا وعده‌ی من با خدا بوده اما وعده‌ی تو این است که باید به شام بروی. در آن جا دارند به پدرمان بد می‌گویند؛ باید پرچم معاویه را بکنی و پرچم ولایت پدرمان علی علیه السلام را نصب کنی! گفت: به دیده منت! زینب علیها السلام یک شهامت جهانی پیدا کرد. هر چه هست زینب است. ما نداریم ام‌کلثوم با یزید صحبت کرده باشد، ام‌کلثوم فقط گریه می‌کرد. چون امام دست در قلب او نگذاشت، در قلب زینب علیها السلام گذاشت. مگر در مقابل یک امپراتور و میان این همه ادیان می‌شود حرف زد؟ حالا یک دفعه به یزید گفت یابن الطلقا! پدر تو آزاد کرده‌ی جد من بوده است؛ مجلس را تکان داد. زینب علیها السلام با قدرت آن دستی که ولایت در قلبش گذاشت، صحبت می‌کرد. ای کسی که منکر این می‌شوی، تو هم نادان هستی و هم نفهم! نادانی که نمی‌دانی، نفهمی که این را می‌گویی. اصلاً آدم با این حرف‌هایی که می‌زنند، شوکه می‌شود. تو که معرفت ولایت نداری برای چه حرف ولایت می‌زنی؟ تو آن قدر نفهمی که باید تعریف خلق را بکنی، برو زنده باد و مرده بادت را بگو، چه کار به بچه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله داری؟

وقتی زینب علیها السلام در اربعین به کربلا آمد، به برادرش خطاب کرد: حسین جان! امر تو را اطاعت کردم، پرچم معاویه را ریشه‌کن و

## افشای احکام

پرچم پدرمان را نصب کردم. اما خواهشی از تو دارم، سراغ رقیه را از من نگیر. وقتی می‌خواستیم بیایم، گفتم رقیه من جواب پدرت را چه بدهم؟ خدا لعنت کند کسی که می‌گوید رقیه دختر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیست. رقیه این قدر پدر پدر کرد تا جان داد. این فرزند امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیست؟ تف بر شما! جگر مرا آتش می‌زنید. اگر تمام دنیا را به من بدهند می‌سوزم، این آتش شعله‌ور هست تا امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى بیاید.

اربعین یعنی روز فتح ولایت. نه این اربعینی که ما می‌گیریم و می‌رویم لای زنها و مردها و می‌گوییم و می‌خندیم. آقایان اربعینی! برای رقیه یا سکینه یا زینب قطره‌ای اشک ریختید؟ ما خنده دیدیم و اشک ندیدیم!

چه خبر است؟ خودتان را از این‌ها جدا کردید و رفتید پی لهُو و لعب! چرا می‌گوید بی دین می‌روید؟ شما دست از حسین و اولاد حسین و پدر حسین عَلَيْهِ السَّلَام برداشته‌اید. دنبال ویدئو و ماهواره و مجلس‌های عشقی هستید. خودتان را بدبخت دنیا و آخرت کرده‌اید.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در صفحه‌ی روزگار نگاه می‌کند و می‌بیند هیچ‌کس حسین حقیقی نمی‌گوید. کجایید عزیزان من؟ مگر اشک چشم زهرا عَلَيْهَا السَّلَام تمام شده؟ مگر اشک زینب تمام شده؟ مگر اشک امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى تمام شده؟ همیشه جاری است. او دارد می‌گوید: «یا جدّه! صبح وشام برایت گریه می‌کنم و اگر اشک چشمم تمام شود خون گریه می‌کنم». شما نمی‌خواهد شب و روز گریه کنید، دست از تلویزیون و ماهواره بردارید! خجالت بکشید

## افشای احکام

که بگویید من شیعه هستم. مگر دست از این کارها بردارید و برای امام حسین علیه السلام اشک بریزید که اگر مطابق جن و انس گناه داشته باشید آمرزیده شود. باید همه عزادار باشید تا زمان رجعت! یعنی دل شما مانند آتش برای این‌ها بسوزد. آن سوختن، والله خاموش کردن جهنم است. آن سوختن، والله غضب خدا را خاموش می‌کند، آن سوختن، والله خدا به شما پاداش می‌دهد، آن سوختن، پیامبر صلی الله علیه و آله عطا به شما می‌کند، آن سوختن، زهرای عزیز علیها السلام شما را می‌پذیرد، آن سوختن، جبریل امین تعظیم به شما می‌کند، آن سوختن، تمام اشیا و زمین و آسمان از شما تشکر می‌کند. چرا؟ دلت برای امام حسین و زهرای عزیز علیها السلام و برای مصیبت‌هایی که در ظاهر به این‌ها رسیده غمگین است.

این عزای امام حسین علیه السلام به حیوانات هم اثر کرده است. عابدی در کوه مناجات می‌کرد، روزی هم برایش می‌رسید. شبی دید که همه‌ی حیوانات پای کوه جمع می‌شوند، درنده به شکار کاری ندارد، این‌ها همه قاطی هستند، اشک می‌ریزند و هو می‌کشند. حساب کرد که امشب شب عاشورا است. عزای امام حسین علیه السلام تا حتی به درخت اثر کرده اما به قلب ما اثری ندارد. حیوان! وقتی امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت، شتر حضرت، سر قبرش رفت و گریه می‌کرد. امام باقر علیه السلام فرمود بیاوریدش. بعد از آن دوباره فرار کرد و رفت، حضرت گفت رهایش کنید. آن قدر سرش را روی قبر امام زد تا جان داد. آیا تو عاشورا گریه می‌کنی یا می‌روی پای تلویزیون؟ آن حیوان است یا تو؟ والله آن انسان است و ما حیوان! این مردم حیا نمی‌کنند. حیا باعث نجات شما می‌شود. والله!

## افشای احکام

اگر حیا نداشته باشیم، حیات نداریم. بی حیایی این است که امر ائمه علیهم السلام را اطاعت نکنید و پشت به این ها کنید؛ از هر بی حیایی بی حیاتری! حُر حیا داشت که به حیات ابدی رسید.

وقتی امام حسین علیه السلام به حر گفت مادرت به عزایت بنشیند، او گفت حسین جان! چون مادرت زهراست، جوابت را نمی دهم. من مطابق هزار سوار هستم، قدرتم را در مقابل تو می شکنم و در مقابل مادرت سرکشی نخواهم کرد. حالا امام حسین علیه السلام همه ی جانش «هل من ناصر» است، می خواهد به حر عطا کند و نجاتش بدهد. وقتی امام حسین علیه السلام به آقا ابوالفضل گفت یک شب وقت بخواه، می خواست حر را نجات دهد!

حر با ابن سعد گفتگویی کرد و پرسید با حسین چه می کنی؟ گفت: او را می کشم و بعد توبه می کنم. آن وقت حر به بهانه ی آب دادن به اسب، با پسرانش به سمت امام حسین علیه السلام حرکت کرد. آمد و گفت: حسین جان! توبه ی من قبول می شود؟ این با معرفت خدمت امام رفت. اگر اول نفهمید و جلوی امام را گرفت، بعد فهمید که اشتباه کرده است. اگر ما هم با تمام وجود خدمت امام برسیم و به گناهان خود اقرار کنیم، ما را می پذیرد. ما هنوز نفهمیده ایم که اشتباه کرده ایم.

من از آن جا که حر نگذاشت امام حسین علیه السلام برگردد و گفت باید از امیر اجازه بیاید، میانه ام با حر خیلی خوب نبود. وقتی که کربلا رفتم تا شب هشتم به زیارت حر نرفتم. شبی خواب دیدم در نجف هستم، امیرالمومنین علیه السلام وسط ضریح ایستاده است. به من خطاب کرد: حسین! چرا نمی روی نائب ما حر را زیارت کنی؟

## افشای احکام

گفتم: آقا جان! چشم، چشم، چشم. ببینید که این‌ها چه قدر آقا و بزرگوارند و به ما عنایت دارند.

صبح گفتم: رفقا! بیایید به زیارت حر برویم. کفش‌هایم را به گردنم انداختم، پابرهنه شدم، سرقبر حر رفتم، سلام کردم، گفتم: ای حر ریاحی! تو نیم ساعت جانت را فدای امام‌زمانت کردی، نائب این‌ها شدی؟ تو را به حق آقایت حسین، از حسین علیه السلام بخواه من هم یاور امام‌زمانم باشم. امسال هم که رفتم همان را خواستم و هیچ اضافه نکردم. بیا با ولایت باش، ولایت یادت می‌دهد که چه بخواهی.

همیشه وقتی نماز شب می‌خوانم یک دور تسبیح به بنی امیه و بنی عباس و بنی مروان لعنت می‌کنم. یک دور تسبیح لعن به قتل‌های امام حسین می‌کنم، به شمر، به حرمله، به ابن سعد لعنت می‌کنم. یک دور تسبیح به یزید و ابن‌زیاد لعنت می‌کنم. یکی لعنت می‌کنم به آن که انگشت امام حسین را برید، یکی لعنت می‌کنم به موکلان آب فرات. یکی می‌فرستم به شریح قاضی که قتل امام حسین علیه السلام را امضا کرد. خیلی این مردک خر بود. از دست همه ناراحتم اما از شریح قاضی خیلی بیشتر ناراحتم. یکی لعنت می‌کنم به آن که قتل امام حسین علیه السلام را فراهم کرد. یکی لعنت می‌کنم به آن که توطئه کرد. هر شب این کار را برای خودم واجب می‌دانم. بعد می‌گویم خدایا من که بلد نبودم، تو یادم دادی. اگر من بهشت هم بروم تو برده‌ای. چرا یاد شما نمی‌دهد؟ شما محبت‌هایی دارید که آن‌ها باید از دلتان بیرون برود تا یادتان بدهند.



## افشای احکام

اگر کسی به ذکر عادت کند همیشه مشغول است، اغلب شما عادت به آن ندارید. ذکر، بشر را از تمام فکر و خیال کنار می برد. تا می توانید ذکر بگویید. اما امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «انا ذکر الله». ذکر باید به امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام متصل باشد وگرنه ورد است. وقتی خدمت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الشَّرِيفَ رسیدم، گفتم آقا جان می خواهم یاور شما باشم؛ حضرت با دست اشاره کرد و فرمود صلوات بفرست، از آن زمان هر روز صبح برای خودم یک برنامه ی صلوات دارم. یک دور تسبیح برای سلامتی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الشَّرِيفَ و یاورانش می فرستم. یک دور می فرستم به روح چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام. یکی هم می فرستم به روح حضرت معصومه و مادرش و مادر امام زمان و مادر جواد الائمه و خدیجه کبری. یکی می فرستم به روح آقا ابوالفضل. یک دور تسبیح صلوات می فرستم برای صد و بیست و چهار هزار پیامبر. یکی می فرستم به روح حوا و آسیه و مریم و فاطمه بنت اسد و زینب و ام کلثوم و سکینه و رقیه و فضه. یکی هم می فرستم به روح حاج شیخ عباس تهرانی و آقای حائری و خوانساری و حاج مظلوم. یکی می فرستم به روح عقیل و مسلم بن عقیل. یکی می فرستم به روح شهدای کربلا و احد. یکی می فرستم به روح کسانی که در کربلا بودند و شهید نشدند. یکی می فرستم به روح سلمان و اباذر و مقداد و میثم و قنبر. یکی می فرستم به روح مالک اشتر. بعد دوباره یکی می فرستم به روح رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به علی ولی الله، به فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، به امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام، به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام. یکی می فرستم برای دوستان امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام که خیر و خیرات ندارند، آن ها انتظار دارند. من ثواب ذکرهایم را هدیه می کنم به روح تمام دوستان

## افشای احکام

امیرالمومنین علیه السلام از زمان آدم ابوالبشر تا حالا! بشر باید خودخواه و خودپرست نباشد. من یک سلام به امام حسین علیه السلام می‌دهم، بعد یک دور تسبیح صلوات می‌فرستم، می‌گویم خدایا به روح آن‌هایی که به گردن من حق دارند. آدم باید به فکر آن‌ها هم باشد. یک سلام به امام حسین علیه السلام می‌دهم و می‌گویم خدایا ثوابش به روح آن‌هایی که با من سلام و علیک داشتند و مرده‌اند، حتی کسانی که در حق من بد کردند! بشر باید گذشت داشته باشد. شبی حالی پیدا کردم و گفتم خدایا آن‌ها که به من کافر گفتند، بد گفتند، مال مرا خوردند، همه‌شان را حلال کردم. خدایا به حق محمد و آل محمد علیهم السلام تو هم مرا بیامرز. اصلا مومن نمی‌خواهد کسی به واسطه‌اش گیر باشد یعنی می‌خواهد مردم راحت باشند، به غیر از بدعت‌گذار که نباید به او محبت داشته باشید!

عزیزان من! باید این‌طور خودتان را مشغول کنید وگرنه روزی می‌شود که پشیمان خواهید شد. می‌گویید چرا تلویزیون و این عروسک بازی‌ها ما را گول زد؟ چرا خلق ما را گول زد؟ چرا خیالی شدیم؟ چرا در این فکرها نیامدیم؟ باید از این مسیر جدا نشوید. بشر وقتی کار می‌کند همیشه باید در فکر باشد که از آن فارغ شود و برود با خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف بزند. من از اول جوانی همین‌طور بودم. این که به شما می‌گوید بی‌دین می‌روید به فکر این نیستید که گوشه‌ای بروید و با خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف بزنید. همیشه در فکر این هستید که گناه کنید. فقط می‌خواهید فارغ شوید و بروید پای تلویزیون و ویدئو و ماهواره. به فکر معصیت و خوشی هستید. اف بر شما، تف حیف هست. به تمام آیات قرآن! همان اوایل خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیدم، حضرت فرمود:

## افشای احکام

فلانی! خوشی تمام شد. گفتم: آقا جان! جدتان هم این را فرموده است اما به نظر من دو خوشی هست: یکی آدم خدمت امام زمانش باشد و یکی بیتوته شب. ایشان خندید و تایید کرد. کجا شما بیتوته دارید؟

امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام به نخلستان می‌رفت که به فقرا کمک کند اما زمانی را هم برای بیتوته خدا گذاشته بود. شخصی آمد و گفت زهرا جان! سرت سلامت، دیدم علی عَلَيْهِ السَّلَام ایستاده بود و نماز می‌خواند، روی زمین افتاد و از دنیا رفت. گفت: او تا صبح چند بار این طوری می‌شود. شما ای پیروان امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام همیشه باید محکم کار کنید و یاد فقرا هم باشید، این امر است، اما باید در فکر باشید که فارغ شوید و از امر پیش صاحب امر بروید. مثالی بزنم: الان آقای مهندس به من دستوری داده است و من دارم در کارگاه کار می‌کنم اما دلم می‌خواهد بروم و کمی پیش مهندس بنشینم. باید این طوری باشید. مهندس کل خلقت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمُرَيْفِ است. الان که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمُرَيْفِ را نمی‌بینید یک گوشه‌ای بروید و با امام زمانتان حرف بزنید. باید همیشه بخواهید که فرصتی پیدا کنید، گوشه‌ای بنشینید و بگویید یا امام زمان! در آن فرصت آن‌ها به آدم القا می‌کنند. فرصت یعنی بروی کنار و بخواهی بفهمی. آن فرصت هدایت است.

به دینم قسم! من بعضی وقت‌ها یک گوشه‌ای می‌روم و فکر می‌کنم. می‌خواهم عظمت یک امام زمان گفتن، عظمت یک علی گفتن، عظمت یک زهرا گفتن را معلوم کنم. (این که می‌گوید نیم ساعت فکر بهتر از هفتاد سال عبادت است، یعنی این!) یک خدا و یک یا علی می‌گوییم. بعد می‌گوییم خدایا اگر آن چه را که به

## افشای احکام

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف داده‌ای یعنی اختیار تمام خلقت را به من بدهی و اسم خودت را از من بگیری تو جفا کن نیستی، اما به من جفا شده است، همه را می‌دهم و یک خدا می‌گویم. یعنی تمام خلقت را فدای اسم تو می‌کنم. همه عالم را باید فدای اسم علی ع کرد. اگر بشر این طور باشد به آش و پلو گول نمی‌خورد و زنده باد و مرده باد نمی‌گوید.

اگر لذتش را ببرید می‌فهمید چه می‌گویم! یک خدا گفتن، یک امام زمان، یک زهرا گفتن، لذت تمام عالم را در همه‌ی وجود و ذرات خون شما می‌آورد. اما باید فارغ شوید و دنیا و اهلش را کنار بگذارید. این است آن کنار رفتن و با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف حرف زدن! نه این که خانه و ماشین مدل بالا بخواهی! خجالت بکش! انسان نباید چیزی از امام‌زمانش بخواهد که نابود می‌شود. چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را نمی‌بینید؟ فکرتان کوتاه است. آن که می‌خواهید برسید کوتاه است.

باید دست از این کارهایتان بردارید تا بیتوته به قلب شما نور بدهد. چرا با خدا حرف زدن این قدر خوب است؟ یقین دارید که خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف هست. اما مردم یقین ندارند که با آن‌ها حرف نمی‌زنند. وقتی خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را دیدی و فهمیدی که از اعمال تو مطلع هستند جلویشان گناه نمی‌کنی. ما به امام‌زمانمان یقین نداریم و پشت کرده‌ایم. همه از خدا و ولایت کنار رفتند. بیایید همیشه با خدا حرف بزنید، خدا خیلی خوشش می‌آید. والله خدا غریب است! هر طوری هم که با خدا حرف بزنید، قبول می‌کند. مگر آن چوپان نبود که با خدا عشق می‌کرد؟ می‌گفت ای خدا سوار الاغت شو بیا این جا به ما یک سری بزن،

## افشای احکام

اگر کفشت هم پاره است من می دوزم، سرت را هم شانه می کنم، این جا نهری است که اگر می خواهی می توانی خودت را بشوری. حالا موسی رد می شد گفت: با چه کسی هستی؟ با خدا. گفت تو کافر شدی، خدا که خرن دارد، خدا که کفش ندارد، خدا که چرک نیست. گفت ای موسی زبانم دوختی، از پشیمانی تو جانم سوختی. خدا خطاب کرد: یا موسی این داشت با من عشق می کرد، چرا او را از من جدا کردی؟ برو رضایتش را حاصل کن وگرنه از درجه ی پیامبری می اندازمت. شما هم با خدا عشق بکنید. خدای ب های به این قشنگی را به شما داده که با او حرف بزنید.

آدم باید با پدر حقیقی اش لال بازی نکند، نجوا کند. ما نفهمیده ایم حاجتی که داریم عَلَيْهِ السَّلَام باید اصلاح کنند. من در کارگاه مهمی استاد بودم و می خواستم مستقل شوم، اما صاحب آن جا مرا رها، نمی کرد. پیش امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام رفتم و گفتم آقا جان این خیلی قلدر است، کمکم کن. در عالم رویا آقا، یک دوکچه به من داد. فهمیدم که حضرت سز رشته ی کار را به دستم داد. بعد به آن شخص غلبه کردم و مستقل شدم. بیایید در خانه ی این ها! در خانه ی چه کسی می روید؟ چرا پی خلق می روید که دین و دنیایتان را ببرد؟ برو در خانه ی امام زمان عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الْكَرِيمِ که حاجتت را برآورده کند. آن ها هم دنیایت را درست می کنند و هم آخرتت را! آن ها حبیب و عزیز خدا هستند.

عارفی که اهل مشهد است برایم نقل کرد که به یکی از خدّام امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: چند سال است که این جا هستی؟ گفت: سی سال. گفتم: چیز عجیبی دیده ای که برایمان تعریف کنی؟ گفت یک روز صبح برف زیادی می آمد. ما دیدیم سگ پیری که می لنگید به این جا آمد، رو به گنبد امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می کرد و هو می کشید. بعد از

## افشای احکام

ساعتی دیدم شخصی با ماشین مدل بالایی آمد و پتویی روی سگ انداخت که آن را ببرد. از او پرسیدم چه شده است؟ گفت: ما چند سال پیش، در طبقه خانه ای داشتیم که اطرافش بیابان بود، این حیوان را برای پاسبانی از چوپانی خریدیم. چندسالی گذشت و اطراف ما خانه ساختند و سگ هم دیگر پیر شد. زخم گفت این دیگر به درد نمی خورد، سگ را به بیابانی بردم و رهاش کردم. وقتی که خوابیدم امام رضا علیه السلام در خواب به من گفت: این حیوان را تا زمانی که به درد می خورد نگه داشتی؟ چرا رهاش کردی؟ بیدار شدم و توجهی نکردم گفتم در فکر آن بودم که این خواب را دیدم. تا دوباره خوابیدم، حضرت گفت بلند شو! در خانه من آمده، شک نکن، بیا ببرش. حیوان به در خانه ای امام رضا علیه السلام می رود، ما در خانه ی خلق می رویم! آن بهتر است یا ما؟

ائمه علیهم السلام زمانی حاجت ما را برآورده می کنند که ما آن ها را زنده بدانیم. شخصی با ما رفیق بود که همسرش به خاطر انفجار زود پز، مژه ها و ابروها و قسمتی از صورتش سوخته بود. دکتر گفته بود که باید با عمل جراحی، گوشت پایش را به صورتش پیوند بزنیم. آن زن به شوهرش گفت در این چند سال که همسر تو هستم آیا از تو خواهشی کرده ام؟ الان از تو خواهش می کنم پیش حاج حسین بروی که به من دعا کند. وقتی این را به من گفت، خیلی ناراحت شدم که این زن ناموس اوست. شب گفتم خدایا من نه این را می شناسم و نه قوم خویشمان است، اما این طور از من خواهش کرده است، توسلی به حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب علیهما السلام پیدا کردم. چندین بار گفتم: زهرا جان به حق زینب دخترت، زینب جان به حق مادرت زهرا، این را شفا بدهید! روضه ای خواندم و اشکی ریختم. فردای آن روز آن شخص آمد و گفت

## افشای احکام

حاج حسین! زخم خوب شد. پرسیدم چه طور شد؟ گفت دیشب خیلی صورتش می سوخت، هر دو گریه می کردیم تا این که خوابش برد. من هم به اتاق دیگری رفتم و خوابیدم. نصف شب مرا بیدار کرد و گفت بین من خوب شدم. نگاهی کردم و دیدم ابروها و مژه هایش درآمده و صورتش هم خوب شده است. گفت دیدم در خانه باز شد و دو خانم مجلله آمدند، یکی حضرت زهرا علیها السلام است و دیگری حضرت زینب علیها السلام! گفتند خانم چه طور شدی؟ قضایا را گفتم. گفتند به حاج حسین گفتی دعا کند؟ گفتم بله. گفتند بگو بیاید. من یک دفعه دیدم حاج حسین عقب اتاق است. گفتند همین طور که دعا کردی دعا کن. ایشان گفت زهرا جان به حق زینب دخترت، زینب جان به حق مادرت زهرا این خانم را شفا بدهید؛ این ها گفتند الهی آمین و صورت من خوب شد. پس باید بدانید که این ها زنده هستند یعنی بدانیم امام رضا علیه السلام زنده است و می شنود، حضرت زهرا علیها السلام زنده است و می شنود. اگر عقیده ات این باشد حاجتت را برآورده می کنند.

پس انشاء الله گاه گذاری با امام زمانان حرف بزنید. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم شما را راهنمایی و کمک می کند اما منیت و سواد خودتان را بیندازید دور، خلق را نبینید، فقط او را ببینید. درباره ی خدا و ولایت محتاج باش، در مقابل خلق غنی باش. امام صادق علیه السلام می فرماید: دوستان ما امر به کف ندارند یعنی می گوید اگر دستش را جلوی کسی دراز کرد این دوست ما نیست. شما باید در مقابل ولایت صغیر باشید. «یا لطیف ارحم عبدک الضعیف الذلیل». آن وقت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم دستت را می گیرد و دیگر محتاج خلق نیستی!

من دائم با خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف حرف می‌زنم:

**خ**دایا شکر که خودت را به ما دادی، **خ**دایا شکر که ولایت به ما دادی، **خ**دایا شکر که طرفدار ظالم نیستیم. **خ**دایا به عدد جاننداری که از اول خلقت آمده تو را شکر، به عدد آن چه که نفس کشیدند تو را شکر، به عدد برگ‌هایی که به درختان روییده و ریخته تو را شکر، به عدد باران‌ها و شب‌نم‌هایی که از اول چکیده تو را شکر، به عدد تمام ریگ‌های بیابان تو را شکر، به عدد تمام ستاره‌های آسمان تو را شکر؛ بعد می‌گویم تمام این‌ها عدد است، بی عدد تو را شکر! آیا شکر تو را کردم؟ نه والله! شکر رفقایم را هم نکردم. ما باید دائم الشکر باشیم؛ دائم الفکر، دائم الشکر است.

**خ**دایا عاقبت‌مان را بخیر کن. عاقبت به خیری این است که ما را با ولای امیرالمومنین علیه السلام از این دنیا ببری که ما در محشر



سرافراز باشیم تا ائمه علیهم السلام بگویند این دوست مادرمان زهراست و ما را بپذیرند.

**خدا**یا ما را با خودت آشنا کن.

**خدا**یا شناخت خودت، ولایت و متقی را به ما عنایت کن.

**خدا**یا هر محبتی در دل ما هست پاکسازی کن، محبت خودت و چهارده معصوم علیهم السلام و کسانی که پیرو این‌ها هستند را جایگزینش کن.

**خدا**یا ما را از خودت جدا نکن از ولایت هم جدا نشویم، ولایت را تا به آخر برسانیم.

**خدا**یا ما پشت و پناهی به غیر از تو نداریم، ما را نگهدار.

**خدا**یا تو را به حق امیرالمومنین علیه السلام ما را در دنیا و آخرت از علی علیه السلام و زهرا جدا نکن.

**خدا**یا آن‌هایی که از تو دورند از ما دور کن، آن‌هایی که

به تو نزدیکند به ما نزدیک کن.

**خدا**یا به حق زهرای عزیز عَلَيْهَا ما طرف هیچ کسی نرویم، فقط طرف تو و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَبِّهِ الْمُرْتَبِ باشیم، خدایا مثل آسامه نشویم که تمام عمر خودش را تلف کرد و طرف آن دو نفر رفت.

**خدا**یا ما زورمان به شیطان نمی رسد تو شیطان را از ما دور کن. خدایا دین ما طعمه‌ی شیطان نشود.

**خدا**یا به حق محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ما را در این دنیا و آن دنیا سرافراز کن. سرافرازی ما این است که محبت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته باشیم.

**خدا**یا ما را تسلیم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قرار بده. ما بنده باشیم، بندگی کنیم. بنده امر مولایش را اطاعت می‌کند. ما هم امر تو و امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را اطاعت کنیم.

**خدا**یا ما قانع و راضی باشیم که محتاج خلق نشویم.

فقط محتاج تو و امرت باشیم.

**خدا** ایا تو را به حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الصریف ما خریدار دنیا نشویم. خریدار امر تو باشیم. امر تو علی ابن ابی طالب علیه السلام است، امر تو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الصریف است. ما امر آن‌ها را اطاعت کنیم، آن‌ها هم ما را دوست داشته باشند. خدایا ما کاری نکنیم که علی علیه السلام ما را دوست نداشته باشد.

**خدا** ایا عمر ما را با برکت قرار بده، یعنی عمرمان با ولایت امیرالمومنین علیه السلام باشد.

**خدا** ایا ما عوض نشویم. به مجلس ولایت تبصره نزنیم. تا می‌توانیم بیایم و به آن عمل کنیم. چون که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دور هم جمع می‌شوید حرف ما را بزنید؟ ما غبطه به آن مجلس می‌خوریم». مثل کسانی نباشیم که مجلس می‌گیرند و کس دیگری را تایید می‌کنند.

## افشای احکام

**خـ**دایا ما را در قیامت رسوا نکن. خدایا ما را طرفدار بدعت‌گذار قرار نده.

**خـ**دایا خجالت ولایت را قسمت ما نکن. ما اگر ولایت نداشته باشیم خجل زده ایم. ما عضو ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشیم.

**خـ**دایا به ما توفیق بده افشای ولایت کنیم نه افشای خلق.

**خـ**دایا ظهور امام زمان عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمَرْفُوفِ را نزدیک بفرما.

**خـ**دایا بین ما و امام زمان عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمَرْفُوفِ وساطت کن، ما از کرده‌هایمان پشیمانیم، او ما را قبول کند. ما را از یاورانش قرار بده، ما یاور خلق نباشیم.

**خـ**دایا شناسایی امام زمان عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمَرْفُوفِ را به ما عطا کن که ما به مرگ جاهلیت نمیریم.

**خـ**دایا ما متابعت امر امام زمان عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الْمَرْفُوفِ را بکنیم، نه

متابعت زمان را!

**خدا** یا ما را موفق به گناه نکن، موفق به رحمت خودت  
بکن.

**خدا** یا به حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را محبوب  
حضرت زهرا علیها السلام قرار بده و کاری کن حضرت زهرا علیها السلام به ما راه  
بدهد و ما محرمش باشیم.

**خدا** یا صادرات ما امر باشد صادرات ما یا علی و یا حسین و  
یا متقی باشد، نه یا خلق!

**خدا** یا فقط زبان ما علی نگوید، قلب ما هم مثل متقی،  
علی بگوید.

**خدا** یا کمکمان کن که دائم یاد امام حسین علیه السلام و بچه  
هایش باشیم چون امام حسین علیه السلام فرمود: قبر من در دل دوستان  
من است.

**خدا** یا دین ما را کامل کن. دین تولی و تبراست، دین حب و بغض است، آن وقت هم نجات پیدا می‌کنیم و هم نجات دهنده می‌شویم.

**خدا** یا بیتوته شب و لذت آن را نصیبمان کن.

**خدا** یا در دل ما، در فکر ما، در کار ما، در گلوله‌های خون ما علی عَلَيْهِ باشد چیز دیگری نباشد.

**خدا** یا ما را از هوئی و هوس و بدعت‌گذار و اهل دنیا نجات بده، چون اهل دنیا خائن هستند.

**خدا** یا به حق پنج تن سخاوت را به ما تزریق کن که تو صفات خودت را به ما بدهی، ما صفات تو را می‌خواهیم.

**خدا** یا کمکمان کن از این مال دنیایی که به ما داده‌ای خریداری آخرت کنیم.

**خدا** یا محبت مرا در دل همسرم و محبت او را در دل من

زیاد کن.

**خدا**یا نسل ما را پیرو علی علیه السلام قرار بده نه پیرو خلق!  
**خدا**یا جان ما را با ولایت سالم و بدن سالم بگیر و ما در  
بستر نیفتیم.

**خدا**یا دنیا و آخرت ما را کفایت کن.

**خدا**یا ما داریم در این دنیا «هل من ناصر» می‌گوییم،  
این جوانان عزیز به «هل من ناصر» پاسخ بدهند.

اصلاً درخواست ما از آن‌ها نباید درخواست دنیایی باشد. وقتی زیر  
قبه‌ی امام حسین علیه السلام رفتم گفتم آقا جان! من چند درخواست  
دارم اول این که اجازه به من بدهی کمی پدرت علی علیه السلام و مادرت  
زهرای عزیز علیهما السلام را افشا کنم. چه قدر به این مظلومه ظلم شد!  
یکی هم گفتم خجالت می‌کشم که بگویم در موقع جان دادن

## افشای احکام

بیایید، اما درخواست می‌کنم با محبت شما از دنیا بروم. حالا تو از امام چه چیزی می‌خواهی؟ دنیا می‌گذرد. هیچ‌کس نیامده در این دنیا که بماند. باید برویم و تا ابد آن‌جا باشیم!

این حرف‌ها در گردش دنیا می‌ماند تا زمان رجعت! باید این‌ها را در خودتان پیاده کنید آن وقت همیشه در حال نجوا هستید. هیچ‌کس به غیر از متقی این حرف‌ها را نگفته است، خدا می‌داند اگر عمل نکنید روزی می‌آید که پشیمان می‌شوید. خودتان را محفوظ نگه دارید تا انشاءالله امام‌زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بیاید. عهد و پیمان کنید با امیرالمومنین و امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ که ما دست بر نمی‌داریم، کم‌کم کن!

آسوده خاطر م که در دامن توأم  
دامن نبینم که در دامنش روم  
دامن به غیر دامن تو بی محتوا بود  
دامن توست که اتصال به ماورا بود



# پای علی

شایان ذکر است مبلغی را که بر پیشانی این مکتوب نشانده‌ایم تنها، هدیه‌ای است از سوی شما عزیزان تا در امور مادی آن، هم‌دست و هم‌داستان مان بوده باشید وگرنه شأن و جایگاه معنوی این دُرّواژه‌های ناب ولایی و رهنمودهای الهی، برتر از آن است که بتوان بهایی برای آن منظور داشت.

هدیه: ۵۰۰۰ تومان

